

تهیه و تولید: اداره تولیدات فرهنگی

تدوین: ابراهیم دهدار

ارزیاب علمی: حجت الاسلام والمسلمین سید محمود مرویان حسینی

ویراستار محتوایی: سعیده تیمورزاده وزینب سادات حسینی

ویراستار زبانی و صوری: سید علی آقا حیدری و راضیه حقیقت

طراح گرافیک و صفحه آرا: امین کوثری

چاپخانه: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

شمارگان: ۳۰۰۰ جلد

نشانی: حرم مطهر، صحن جامع رضوی

ضلع غربی، مدیریت فرهنگی

صندوق پستی: ۳۵۱-۹۱۷۳۵

تلفن: ۰۵۱-۲۲۰۰۲۵۶۷

حق چاپ محفوظ است.

- ۵ به جای مقدمه
- ۶ سخن دوست
- ۷ پیشینه اعتکاف
- ۱۱ اقامت در خانه خدا
- ۱۴ مقصود تویی ...
- ۱۵ بهانه دعوت



- ۱۷ لایق دیدار
- ۲۰ در خلوت اعتکاف
- ۲۲ دست نیاز
- ۲۷ سِرّ عاشقی
- ۲۹ آسیب شناسی اعتکاف
- ۵۳ مسابقه فرهنگی



به جای مقدمه

فرستی می‌خواهی تا فارغ از هیاهوی پایان‌ناپذیر زندگی، چند روزی با خودت خلوت کنی. فرصتی می‌خواهی تا بر سفرهٔ عشق میهمان شوی، جامهٔ تعلقات برگنی، با خدای خویش خلوت کنی و پایه‌پای ام‌داوود، زیارت رجبیه بخوانی. فرصتی می‌خواهی تا معتکف کوی عشق شوی. اعتکاف فرصت خلوتی عاشقانه است. اعتکاف استوارسازی شانه‌های لرزانی است که از بار سنگین گناه، دیگر قامت ایستادن ندارند. اعتکاف سجدهٔ دوبارهٔ فرشتگان است بر اشک‌ها و ندبه‌ها و سجده‌های آدمیان. اعتکاف احرامی است در میقات حضور با نور و شعور. اعتکاف تطهیر قلب‌هاست در سجادهٔ سبز توبه. اعتکاف گسترهٔ محراب عشق است در کوی دوست: عشق بازی روح است دور از نفس سرکش، در سبزترین مکان و در نورانی‌ترین زمان. اعتکاف تلاوت آیه‌های سورهٔ حضور است در سجادهٔ اشک. اعتکاف لب‌هایی است که عاشقانه با زمزمهٔ نیایش، روح پریشان خود را شست و شو می‌دهند. اعتکاف تفرّج روح است در خلوت عشق. اعتکاف یافتن حقیقت پنهان روح است در فراموشی نفس. اعتکاف غوطه‌ور شدن در دریای روشن امید و فرصت سبزی است برای آموختن طریقت دلدادگی و رسم‌وراه عاشقی. اعتکاف بریدن است و وصل شدن: پایان است و آغاز. اعتکاف شکستن است و پیوند خوردن: شکستن قفس نفس و پیوند خوردن به آسمان. اعتکاف میقاتی است دوباره. اعتکاف تمرین خودسازی است. اعتکاف مبارزه است برای رسیدن به یقین. اعتکاف فرصتی است برای سبزشدن. این فرصت را غنیمت بشمار!



سخن دوست

توصیه رهبر معظم انقلاب دامت برکاته

من اینجا یک جمله به معتکفین عرض می‌کنم. خوشا به حالتان معتکفین عزیز! پدیده اعتکاف یکی از رویش‌های انقلابی است. ما اول انقلاب این چیزها را نداشتیم. اعتکاف همیشه بود. زمان جوانی ما، وقتی ایام ماه رجب فرا می‌رسید، در مسجد امام قم، آن‌هم فقط قم، در مشهد من اصلاً اعتکاف ندیده بودم، شاید پنجاه نفر، صد نفر طلبه فقط اعتکاف می‌کردند. این پدیده عمومی، اینکه ده‌ها هزار نفر در مراسم اعتکاف شرکت کنند، آن‌هم اغلب همه جوان، جزو رویش‌های انقلاب است.

توصیه من این است که در این سه روزی که شما در مسجد هستید، تمرین مراقبت از خود بکنید: حرف که می‌زنید، غذا که می‌خورید، معاشرت که می‌کنید، کتاب که می‌خوانید، فکر که می‌کنید، نقشه که برای آینده می‌کشید، در همه این چیزها مراقب باشید رضای الهی و خواست الهی را بر هوای نفسشان مقدم بدارید [و] تسلیم هوای نفس نشوید. تمرین این چیزها در این سه روز می‌تواند درسی باشد برای خود آن عزیزان و برای ماها که اینجا نشستیم و با غبطه نگاه می‌کنیم به حال جوانان عزیزمان که در حال اعتکاف هستند. با عمل خودتان، به ما هم یاد بدهید.^۱

به خصوص من در این ایام اعتکاف، صحیفه سجادیه را توصیه می‌کنم. این صحیفه سجادیه واقعاً کتاب معجزنشانی است...! از این معارف موجود در دعا‌های حضرت علی بن حسین علیه السلام در صحیفه سجادیه استفاده کنند، بخوانند، تأمل کنند. این‌ها فقط دعا نیست: درس است. این کلمات امام سجاد علیه السلام و همه ادعیه‌ای که از ائمه علیهم السلام مأثور است و به دست ما رسیده است، پُر است از معارف.^۲

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۲۸ مرداد ۱۳۸۴.

۲. بیانات در دیدار با گروه‌های مختلف مردم به مناسبت میلاد امام علی علیه السلام، ۲۶ تیر ۱۳۸۷.



اعتکاف در شریعت

حضرت ابراهیم علیه السلام از

مناسک و عبادات الهی

محسوب می شده

است؛ البته کیفیت

و چگونگی مناسک

آن معلوم نیست.

آنچه مسلم است،

این است که پیروان

ایشان به این عمل

مبادرت می ورزیدند

اعتکاف عبادتی است که در ادیان دیگر نیز وجود دارد. اما آیا اعتکاف در آن ادیان، همانند اعتکاف در اسلام است یا کیفیت و شروطش متفاوت است؟ به درستی معلوم نیست که اعتکاف در ادیان دیگر، چه کیفیتی داشته است، به ویژه اینکه با تحریف ادیان آسمانی قبل از اسلام، بسیاری از عبادات آن‌ها به فراموشی سپرده شده و از آن‌ها جز صورتی بی روح باقی نمانده است. آنچه به صراحت از قرآن دریافت می شود، اصل وجود عبادتی به نام اعتکاف است که در بسیاری از ادیان الهی، از جمله اسلام وجود داشته است؛ اما از چگونگی کیفیت و شروطش اطلاعی در دست نیست.

آیا رهبانیت در مسیحیت، همان اعتکاف است؟ رهبانیت به معنای خلوت نشینی، گوشه گیری و پرهیز از دنیا و پرداختن به عبادت است. اموری همچون خدمت به بیماران صعب‌العلاج و امثال آن، از رایج‌ترین آداب و مناسک آیین مسیحیت به شمار می رود که در ظاهر، شباهت‌هایی با اعتکاف دارد. قرآن کریم به وجود این عمل در میان مسیحیان اشاره کرده و به طور ضمنی آن را تأیید می کند: ﴿وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ﴾ (در قلب‌های کسانی که از او [یعنی مسیح] پیروی

می‌کنند، رأفت و رحمت قرار دادیم و رهبانیتی را که ابداع کرده بودند، ما بر آنان مقرر نداشته بودیم.)

باتوجه به معنای این آیه معلوم می‌شود که رهبانیت عبادت است که پایه‌گذاری و جعل آن از سوی مسیحیان بوده است و برای قرب بیشتر به خداوند به آن عمل می‌کردند؛ حال آنکه اعتکاف عبادتی شرعی در ادیان سابق بوده است. با دقت در حوادث تاریخی، در می‌یابیم که مسیحیان مؤمن برای پرستش خداوند و درآمان ماندن از آزار یهودیان و بت پرستان، گوشه‌های خلوت را انتخاب می‌کردند و به رازونیز با پروردگار مشغول می‌شدند. جریان اصحاب کهف نیز از همین قرار است. این گروه، همان یکتاپرستانی بودند که در فضای شرک‌آلود و پر از گناه جامعه، راه حق را تشخیص دادند و از مردم زمان خویش کناره گرفته و خلوت عبادت را بر شرک و بت پرستی ترجیح دادند.

باین همه، کسی به درستی نمی‌داند که این عبادت، از چه زمانی آغاز شده و کیفیت اجزا و شروط آن در بدو شکل‌گیری چگونه بوده است. همان قدر می‌دانیم که خداوند در قرآن به پیامبر بزرگ خود، ابراهیم خلیل الله ﷺ و پسرش اسماعیل علیهما السلام دستور داده است که خانه‌اش را برای طواف کنندگان و معتکفان و نمازگزاران پاک کنند؛ پس یقیناً این عبادت در آن زمان وجود داشته و مشمول رضایت خداوند نیز بوده است.

از آیه ۱۲۵ سوره مبارکه بقره، نتیجه می‌گیریم که اعتکاف در شریعت حضرت ابراهیم ﷺ از مناسک و عبادات الهی محسوب می‌شده است؛ البته کیفیت و چگونگی مناسک آن معلوم نیست. آنچه مسلم است، این است که پیروان ایشان به این عمل مبادرت می‌ورزیدند؛ از این رو حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل علیهما السلام از طرف خداوند موظف شده بودند تا محیط لازم را برای برپایی این مراسم مهیا سازند. واگذاری این مسئولیت خطیر به آن‌ها، گواه بزرگی است بر اهمیت عباداتی چون حج و اعتکاف و نماز در پیشگاه خداوند. علامه مجلسی رحمته الله علیه به نقل از مرحوم طبرسی این‌طور نگاشته است: «سلیمان در مسجد بیت المقدس اعتکاف می‌کرد. آب و خوراک برای آن حضرت فراهم می‌شد و او در آنجا به عبادت می‌پرداخت.» حضرت موسی علیه السلام هم با آنکه مسئولیت سنگین رهبری و هدایت امت را به دوش داشتند، برای مدت زمانی آنان را ترک کرده و برای خلوت با محبوب خویش به خلوتگاه کوه طور شتافتند. خداوند فرمود: «چرا از قوم خود پیشی گرفتی و باعجله به سوی ما شتافتی؟» ایشان در پاسخ عرض کرد: «پروردگارا، آنان در پی من هستند و من به سوی تو شتاب کردم تا از من راضی شوی!»^۲

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۱۶۶.

۲. طه، ۸۳ و ۸۴.

کلمه حجاب به معنای

هر چیزی است که

چیزی را از غیر پوشاند

و از این کلمه، چنین

برمی‌آید که گویا مریم

خود را از اهل خویش

پوشیده داشت تا

قلبش برای اعتکاف و

عبادت فارغ‌تر باشد



پیامبر اکرم ﷺ نیز

مانند اجداد خود، پیرو

دین حنیف، یعنی دین

حضرت ابراهیم ؑ

بودند و بر عبادات

متداول آن دین،

از جمله اعتکاف اهتمام

می ورزیدند

بیت المقدس از مکان هایی بود که همواره عده زیادی، برای اعتکاف در آن گرد می آمدند و به رازونیز با پروردگار خویش مشغول می شدند. بزرگ این گروه، حضرت زکریا ؑ بود و حضرت مریم ؑ نیز از جمله کسانی بودند که آن حضرت در امر اعتکاف سرپرستی می کردند. قرآن در این باره می فرماید: ﴿ وَ كَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا ﴾ (کفالت او [یعنی مریم] را [خداوند] به زکریا سپرد و هر زمان که زکریا به محل عبادت او می رفت، برایش غذایی مهیا می دید).

از آیه ۱۷ سوره مبارکه مریم هم استفاده می شود که حضرت مریم ؑ آنگاه به افتخار ملاقات با فرشته الهی نایل آمد که از مردم بریده بود و در خلوت به سر می برد.

۱. آل عمران، ۳۷.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه شریفه می‌فرماید: «کلمه حجاب به معنای هر چیزی است که چیزی را از غیر بپوشاند و از این کلمه، چنین بر می‌آید که گویا مریم خود را از اهل خویش پوشیده داشت تا قلبش برای اعتکاف و عبادت فارغ‌تر باشد.»^۱ پس نتیجه می‌گیریم که حضرت مریم علیها السلام برای عبادت خداوند متعال، جای خلوتی را برمی‌گزیده‌اند و همین عبادت‌های خالصانه بود که او را در معرض توجه خداوند متعال قرار داد و به او فرزندی عنایت شد که از انبیای بزرگ الهی محسوب می‌شود. حضرت یحیی علیه السلام نیز یکی از انبیای الهی است. آن حضرت علیه السلام چنان خشیتی از دوزخ در دل داشتند که حضرت زکریا علیه السلام در حضورشان سخنی از عذاب جهنم به زبان نمی‌آوردند و همیشه مراعات ایشان را می‌کردند. روزی متوجه حضور حضرت یحیی علیه السلام نبودند و برای مردم از کیفیت عذاب جهنمیان سخن گفتند. حضرت یحیی علیه السلام که در آن مجلس عبابی به سر کشیده بودند، با شنیدن این سخنان فرمودند: «وای از مستی توجه به دنیا!» سپس از مجلس بیرون رفتند و مدتی در بیابان از خوف الهی گریان و به عبادت خداوند مشغول بودند تا آنکه مادرشان بعد از جست‌وجو، آن حضرت را در بیابان، یافتند و به منزل برگرداندند...^۲

طبق روایات اهل سنت، در دوران جاهلیت هم عملی به عنوان اعتکاف در میان مردم رایج بوده است و مردم با انجام آن عمل به خدای خود تقرب می‌جسته‌اند. اجداد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از پیروان دین حنیف به‌شمار می‌روند. اعتکاف در غارها و بیابان‌ها و کوه‌ها، به عده‌ای از این افراد نسبت داده شده است. آنان خود را در جاهای خلوتی که از مردم دور بود، محبوس می‌کرده و به اعتکاف می‌پرداختند و جز برای نیازهای شدید و ضروری، از آنجا خارج نمی‌شدند. آن‌ها در آن اماکن خاموش و آرام، مثل غار حرا، به عبادت و تأمل و تفکر در هستی مشغول می‌شدند و در جست‌وجوی راستی و حقیقت بودند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز مانند اجداد خود، پیرو دین حنیف، یعنی دین حضرت ابراهیم علیه السلام بودند و بر عبادات متداول آن دین، از جمله اعتکاف اهتمام می‌ورزیدند.

طبق روایات

اهل سنت، در دوران

جاهلیت هم عملی

به عنوان اعتکاف در

میان مردم رایج بوده

است و مردم با انجام

آن عمل به خدای خود

تقرب می‌جسته‌اند

۱. نک: محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۳۴.

۲. نک: محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۱۶۶.



اقامت در خانه خدا

اول باید ببینیم در اعتکاف دقیقاً چه اتفاقی می افتد. مسجد محل عبادت است، نه محل سکونت؛ اما در زمان اعتکاف، هر چند برای مدت سه روز، در مسجد مقیم می شویم. دوروز، خود را اسیر می کنیم تا روز سوم دستمان را بگیرند. تمام ساعات شبانه روز، خود را مقید می کنیم که در محیط مسجد تنفس کنیم. از چهار دیواری محراب بیرون نمی رویم و پا از زیر سقف گنبد دوار خانه خدا بیرون نمی گذاریم. چرا؟ گویی می خواهیم از مسجد چیزهایی ببینیم که دیگران آن را نمی بینند؛ دیگرانی که می آیند و نماز می خوانند و می روند. شب ماندن در مسجد مکروه است، مگر برای اعتکاف. از این فرصت استفاده می کنیم تا خوابیدن در مسجد را تجربه کنیم؛ گویی که به بیداری منجر می شود. انگار مسجد قسمت های پنهانی دارد که وقتی مدتی در آن می مانیم، آن ها را می یابیم؛ پس می مانیم تا بقیه بروند و منتظر می نشینیم تا مسجد باطن خودش را به ما نشان بدهد. می خواهیم ببینیم بالاخره خانه خدا با جاهای دیگر چه فرقی دارد. آیا خدایی که همه جا

هست، در خانه‌اش بیشتر حضور دارد؟ آیا درودیوار مسجد به مرور با ما حرف خواهد زد؟ عالم غیب همیشه غیب است؛ اما شاید اگر کنار متصل‌ترین مکان به عالم غیب اقامت کنیم، کمی از غیب وجودش را به ما نشان دهد. راستی انسان غیب را با کدام حسش درک می‌کند و می‌یابد؟ با چشم و گوش که نیست و با حس لامسه و شامه که نمی‌شود. حتی کار ذهن هم نیست. به ما گفته‌اند غیب را می‌توان با قلب دید و فهمید. قلب مگر وسیله ادراک است؟ بله، تنها وسیله درک عالم غیب، قلب است و روز قیامت هم با قلبمان خدا را می‌بینیم.

پس در مسجد می‌مانیم تا قلبمان به کار بیفتد و چشم قلبمان باز شود. حتی زبان از خوردن و آشامیدن می‌بندیم تا کمک کند «قلب ما به کار افتد». از همین جا می‌توانیم آداب اعتکاف را هم بفهمیم. شاید کمتر باید حرف بزنی و با دیگران تنها بالبخند و نگاه‌های مهربان و گذرا ارتباط داشته باشیم. هر کاری که می‌توانیم، باید انجام دهیم تا از قساوت قلب فاصله بگیریم؛ ولی در میان جمع، تنهایی خود را از دست ندهیم.

وقتی نمی‌توانیم این معنارادرک کنیم که عالم محضر خداست و نمی‌توانیم حضور خدا را احساس کنیم، پس خوب است به مسجد بیاییم و با درک محضر پروردگار که حضورش در مسجد پررنگ‌تر است، لااقل برای یک بار، کمی عمیق‌تر از همیشه و همه‌جا حضورش را احساس کنیم. اگر چنین کنیم، بعد که از مسجد برویم، تا مدتی خود را در محضر او حس خواهیم کرد.

اعتکاف یعنی زمان لازم است تا برخی معانی را درک کنیم. سه روز یعنی زمان متراکم؛ همان طور که برنامه‌های روزانه و مستمر به معنای انجام دادن در زمان مداوم است. این‌ها هرکدام به نوعی اثر دارد: هم لازم است کارهای خوب را در زمان مداوم انجام دهیم تا اثربخش باشد و هم لازم است گاهی در زمان متراکم در بهبود حال خویش بکوشیم تا مؤثر واقع شود.

روزی، در مقابل معبود خواهیم ایستاد و به ملاقات او خواهیم شتافت. آنجا می‌فهمیم که همه آنچه همیشه می‌خواستیم، خود خداست و آنجا می‌فهمیم که تمام عمر باید به یاد این لحظه می‌زیستیم و برای این لحظه ظرفیت پیدا می‌کردیم؛ چراکه آنجا هرکسی را به قدر ظرفیتش از جرعه وصال می‌چشانند و سرمست می‌کنند؛ ولی آن وقت، دیگر برای تأسف خوردن دیر خواهد بود. باید از قبل و سر سجاده هر نماز، تمرین ملاقات می‌کردیم و متوجه دیدار می‌بودیم.

راستی انسان غیب را

با کدام حسش درک

می‌کند و می‌یابد؟ با

چشم و گوش که

نیست و با حس

لامسه و شامه که

نمی‌شود. حتی کار

ذهن هم نیست. به

ما گفته‌اند غیب را

می‌توان با قلب دید و

فهمید

پس یادمان باشد اعتکاف اصرار برای ملاقات خداست و این کار، کودکانه نیست. این اصرار برای ملاقات هم، باید درخور احوال و رفتار ما باشد. معتکف باید وصیت‌نامه‌اش را نوشته باشد. مسجد محل نماز است و نماز محل ملاقات با خدا و تمرین و تمنای دیدار اوست. کسی که تجربه اعتکاف دارد و تمنای اقامت در دیار حضرت دوست، دیگر از مرگ نمی‌هراسد. البته هرکس این چنین باشد، زیاد به یاد این ملاقات خواهد بود و اعمالش نیکو و عمرش طولانی خواهد شد؛ ولی اعتکاف آمادگی برای اقامت ابدی در محضر خداست.

اعتکاف نقشه‌ای است که برای آشنایی یا غربت‌زدایی ما با خانه خدا طراحی شده است و پس از اعتکاف می‌فهمیم که همان قدر که به خانه خانوادگی خود نیازمند بوده‌ایم، به این کاشانه کردگار عالم هم نیازمندیم؛ بلکه بیشتر. ما باید روزی با خانه خدا آشنا می‌شدیم.

وقتی خانه خدا را با خانه خودمان مقایسه کنیم، می‌بینیم اگر کاشانه ما جایی برای کالبد مادی ماست، مسجد آشیانه‌ای برای روح لایتناهی ماست. بعضی‌ها عظمت روح خود را نیز در مسجد می‌یابند. روح ما بسیار بزرگ است و هرکسی قادر به درک این مطلب نیست؛ پس گاهی باید تنها و در مسجد عظمت روح خود را دریابیم.

هرچه به اختیار خود، البته نه خودسر، بلکه با اذن پروردگار و تحت امر او، از دنیا فاصله بگیریم، دنیای ما هم راحت‌تر می‌شود. عبور از سختی‌های دنیا هم برای ما سهل می‌شود. مانند روزه که در آن با اختیار خود نمی‌خوریم و نمی‌آشامیم و در نتیجه، دستگاه گوارشمان سالم‌تر می‌شود و سلامتمان بیشتر تضمین می‌شود. اعتکاف یعنی سه روز روزه گرفتن از دنیا، روزه گرفتن از شهر و کوچه و بازار، روزه گرفتن از خانه و کار و روزه گرفتن از اهل و عیال. بعد که برمی‌گردیم، همه کارها سهل می‌شود.

اعتکاف تمرین دسته‌جمعی عبادت‌های فردی است و یافتن گمشده خود در میان جمع. پس باید مراقب باشیم که در مسجد و در جمع مؤمنان، خود را گم نکنیم و فقط به دیگران مشغول نشویم که تازه باید خود را بیابیم و از او جدا نشویم. مواظب باشیم جمع را مراعات کنیم؛ چراکه تنها نیستیم. تنها خود را دیدن در کنار دیگران، عین خودخواهی است و رعایت جمع در عین حفاظت از تنهایی، تمرین خداخواهی. اعتکاف تمرین عجیب رعایت جمع و حفاظت از تنهایی است.^۱

۱. نک: علی‌رضا پناهیان، شکوه امر خدا، ص ۱۰ تا ۲۱.

وقتی خانه خدا را با

خانه خودمان مقایسه

کنیم، می‌بینیم اگر

کاشانه ما جایی برای

کالبد مادی ماست،

مسجد آشیانه‌ای برای

روح لایتناهی ماست.

بعضی‌ها عظمت روح

خود را نیز در مسجد

می‌یابند

هدف از حضور در مراسم اعتکاف چیست؟ این پرسش را نه فقط در اینجا، بلکه همیشه در ذهن داشته باشیم که هدف از کاری که می‌کنیم، چیست؟ اگر هدفمان بندگی و جلب رضایت پروردگار بود، بدانیم که هدفمان را درست برگزیده‌ایم؛ چراکه خداوند در کتاب خود، هدف از خلقت را بندگی معرفی می‌کند: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾^۱. خداوند ما را آفریده است تا بندگی را تحقق بخشیم و در راه، مستدام بمانیم و به قرب او برسیم. وجود پیامبران و ائمه (علیهم‌السلام) و حتی طبیعت و صنعت، همه و همه، برای عبودیت شایسته‌تر است.

پس هدف از اعتکاف را چه می‌توانیم بگوییم، جز عبودیت؟! در واقع اعتکاف به معنای «انقطاع از خلق» و «توبه کردن به سوی خدا» است؛ به منظور اینکه در پاسی از عمر، ذهنمان را از افکار گوناگون تخلیه کنیم و برخی از خواسته‌های نفسانی و حتی بعضی کارهای حلال را بر خود حرام کنیم. وقتی در جامه معتکف، گرفتاری‌های روزمره زندگی را کنار می‌گذاریم و شب و روز را در خانه خدا، فقط برای انس و رازونیز با خداوند متعال سپری می‌کنیم، فرصت فراغتی برای عبادت و عبودیت به وجود آورده‌ایم. اعتکاف شبیه احرامی است که مُحرم در مکه می‌بندد و با احرام، کارهایی بر او واجب و کارهایی بر او حرام می‌شود و باید براساس آن‌ها عمل کند. در برخی مسائل هم اگر مرتکب حرامی شد، باید کفاره دهد و نباید توجه به خود داشته باشد.

درحقیقت، اعتکاف نوعی احرام بستن در خانه خداست و با غفلت و بی‌توجهی شروع نمی‌شود. معتکف باید متوجه این مطلب باشد که آمده است تا اعتکاف کند و این‌گونه است که به حقیقت، احرام می‌بندد. هرچند لباس او مثل حاجیان نیست؛ اما احرامش از جهاتی مهم‌تر از احرام آنان است؛ زیرا در واقع در داخل خانه خدا (مسجد) محرم می‌شود و اجازه ندارد از محدوده داخل مسجد خارج شود. اینکه گفته شده است اعتکاف در مسجد جامع صورت گیرد، غیر از فضیلتش، جنبه دیگری نیز دارد: منظور این است که معتکف در عین درک فضیلت حضور در مسجد جامع، با انسان‌های مؤمن نیز ارتباط داشته باشد و با ایشان محشور باشد.

پس اعتکاف حرکتی نفسانی و در مسیر تربیت نفس است و با مهم‌ترین مقام که مقام اراده است، شروع می‌شود و معتکف به واسطه اعتکاف، اراده خود را قوی می‌کند؛ به گونه‌ای که می‌تواند از همه جهات دیگر دور شود و به سوی خدا بیاید و غرق عبادت شود. این تربیت نفس، با اراده خود معتکف محقق شده است.^۲

۱. ذاریات، ۵۶.

۲. نک: مؤسسه ایمان ماندگار، اعتکاف نیکان، ص ۵۳ و ۵۴.





به هر خانه‌ای باید

با اجازه وارد شد و

بسیاری از معتکفان

به صورت پیدا و

پنهان از همین اجازه

برخوردارند. همین

که آمده‌اند، دلیل

اجازه یافتن آن‌هاست

چرا به اعتکاف آمده‌ایم؟ یعنی خدا چرا به ما توفیق داده و ما را به خانه‌اش راه داده‌است؟ به هر خانه‌ای باید با اجازه وارد شد و بسیاری از معتکفان به صورت پیدا و پنهان از همین اجازه برخوردارند. همین که آمده‌اند، دلیل اجازه یافتن آن‌هاست؛ مگر آنکه به قصد خیری نیامده باشند و نیت‌های بد که کمتر در میان معتکفان پیدا می‌شود، آن‌ها را به این وادی کشانده باشد. این دسته از افراد، معمولاً بهره‌چندانی هم نمی‌برند. شاید به این دلیل توفیق یافته‌ایم که خدای مهربان خواسته است ما را به خود نزدیک‌تر کند و اندک عبادت ما را که خود به ما توفیق داده است، مایهٔ این احسان قرار داده است و می‌خواهد در جای مناسب به ما جایزه بدهد تا با عبادتی ارزان، سودی هنگفت حاصل کنیم؛ البته اگر بتوانیم قیمتش را حفظ کنیم.

شاید به این سبب بار یافته‌ایم که خداوند متعال دیده است، در حال از دست رفتن هستیم و اگر ما را به خانهٔ خود نبرد و مشمول لطف و مرحمتش نکند، دیگر برایمان امیدی نیست و خود را در تباهی‌ها نابود می‌کنیم. از بس بدی کرده‌ایم و به خود غرّه‌ایم، خواسته است کسانی از ما بهتر را در این اعتکاف نشانمان دهد تا به نامقداری خود پی ببریم و با دیدن افراد باصفا در اطراف خود، فروتنی ورزیم و این تصور که ما هم آدم حسابی هستیم، از یادمان برود.

شاید آمده‌ایم تا از دست دشمنان دوست‌نما رهایی یابیم. اینکه از دست دوستان بد نجات یابیم، بسیار مهم‌تر از آن است که با دوستان خوب دست بدهیم. شاید این غیبت سه‌روزه بتواند رفاقت‌های ناجوری را از بین ببرد. براساس فرمودهٔ رسول خدا ﷺ، حضرت موسی علیه السلام پس از سه روز گفت‌وگو با خداوند منان، دیگر تحمل گفت‌وگو با کسی را نداشتند و از صدای مردم مشمئز می‌شدند.^۱

شاید خداوند متعال می‌خواهد الگویی از مؤمنی باصفا در اختیار دیگر مؤمنان قرار دهد و ما را درس آموز اخلاص و تقوا برای دیگران قرار دهد که البته چقدر بعید است! برای گویندهٔ این کلمات محال است؛ ولی برای شما خوانندهٔ خوب هم اگر محتمل است، به خود نگیرید؛ چراکه خداوند متعال از کمترین خوبی بندگانش درسی برای خوبان و الگویی برای مشتاقان به دست می‌دهد. این از خوبی اوست. ما باید به فکر کاستی‌هایمان باشیم. خدا کند که برای دیگران هم مفید باشیم.

دعوتمان به اعتکاف، شاید برای این باشد که ما را از قعر ناامیدی‌ها خارج کند و آثار زمزمه‌های شوم شیطان را که مدام در گوش ما خوانده است «تو آدم نمی‌شوی و خدا تو را تحویل نمی‌گیرد»، از بین ببرد تا معلوم شود که خدایی مهربان داریم که هنوز هوای ما را دارد و می‌توانیم به‌عنوان مهمان خاص، به خانه‌اش راه یابیم.

شاید خداوند رحمان خواسته است ما را از عالم ناسپاسی که در متن درگیری‌ها و مشکلات برایمان پیش آمده است، نجات دهد. گاهی خدا به‌جای برطرف کردن مشکلات بندگان خود که رشدشان در آن نهفته است، فرصت تنفس می‌دهد و با غرق کردنشان در عبادت، به آن‌ها نیروی مقاومت عنایت می‌کند.

شاید این آخرین فرصت حرکت ما به سوی خدا باشد و خداوند رؤف خواسته است ما را در آخرین مرتبه امتحان کند: آیا به سوی او باز خواهیم گشت؟ آیا در روند زندگی خود تغییری ایجاد خواهیم کرد؟ آیا این آخرین فرصت بیداری را پاس خواهیم داشت؟ شاید هم واقعاً این آخرین فرصت حیات ما باشد، نه آخرین فرصت حرکت!

اصلاً شاید به علتش نباید نگاه کنیم و باید خود را میان خوف و رجا رها سازیم و به او بسپاریم و علت این توفیق را در آن دنیا از او بپرسیم و او پاسخ را نشانمان دهد. به‌هر حال می‌خواستیم بگوییم بیابیم از همین اول، عجب و غرور را که همزاد خوبی‌هاست، از خودمان دور کنیم و عبادتمان را نابود نکنیم؛ چون هر احتمالی برای علت حضور ما تصورشدنی است.^۲

شاید این آخرین

فرصت حرکت ما

به سوی خدا باشد و

خداوند رؤف خواسته

است ما را در آخرین

مرتبه امتحان کند: آیا

به سوی او باز خواهیم

گشت؟

۱. «... فِيهَا فَلَمَّا انصَرَفَ إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ سَمِعَ كَلَامَهُمْ مَقْتَهُمْ...» (محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، الخصال، ج ۲، ص ۶۴۲؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۳۴۴).
 ۲. نک: علی رضا پناهیان، شکوه امر خدا، ص ۲۵ تا ۲۵.



لایق دیدار

خودسازی در اعتکاف

اسلام عزیز برای انسان‌های مؤمنی که در پی خودسازی‌اند و راه اعتکاف را برای این کار برگزیده‌اند، توصیه‌های مختلفی دارد:

۱. رعایت حدود الهی در اعتکاف

رعایت حدود هر عملی، به آن است که با دقت و ظرافت و از روی اختیار و براساس شریعت پروردگار، آن را اجرا کنیم. آیه **﴿وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ﴾** به این حقیقت اشاره دارد؛ چنان‌که خواجه عبدالله انصاری نیز «حدود الله» را احکام شرع می‌داند و می‌گوید: «کمال ادب در رعایت آن، به این است که امور غیر شرعی جایگزینش نشود، نه در مقام عمل [و] نه در زبان و قلب و تفکر؛ ولی اگر گرفتار کار غیر شرعی شد، باید با استغفار آن را از خود دور کند؛ زیرا او می‌داند که خدای متعالی بر همه چیز مراقب است.»^۲

۱. توبه، ۱۱۲.

۲. نک: عبدالله بن محمد انصاری، شرح منازل السائرین، ج ۱، ص ۲۸۹.

کسی که مرزوحی و حریم نبوت و شریعت را پاس نمی‌دارد و قلمرو خود را که بندگی و اطاعت از فرمان خداست، محترم نمی‌شمارد، به مبارزه با حدود الهی رو می‌آورد و سرانجام به کفر و نفاق آلوده خواهد شد: ﴿أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهُ مَن يُحَادِدِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأَنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا ذَٰلِكَ الْحِزْبُ الْعَظِيمُ﴾^۱ (آیا ندانسته‌اند که هرکس با خدا و رسولش به دشمنی و مخالفت برخیزد، آتش دوزخ پاداش همیشگی اوست و این درحقیقت، خواری بزرگ است؟!) خدای کریم برای نجات آدمی از چنین سرنوشتی، او را از نزدیک شدن به حدود الهی نهی می‌فرماید: ﴿تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا﴾^۲ (این مرزهای الهی است؛ پس به آن نزدیک نشوید.)

نهی از نزدیک شدن به حدود الهی، کنایه از مرتکب نشدن آن‌ها یا عبور نکردن ستعمارانه از آن‌هاست؛ پس جمله ﴿فَلَا تَقْرُبُوهَا﴾ به دو معنای تواند باشد: ۱. معصیت‌های یادشده در آغاز آیه، یعنی مباشرت با همسر و خوردن و آشامیدن در حال روزه و آمیزش در حال اعتکاف، حدود الهی‌اند و آن‌ها را مرتکب نشوید؛ ۲. احکام و حریم‌های الهی را پاس بدارید و از آن‌ها به ترک واجب یا فعل حرام تجاوز نکنید.

این آیه با تعبیر «لا تَقْرُبُوا» هشدار می‌دهد که به حدود الهی نزدیک نشوید. این تعبیر با «لا تَفْعَلُوا» فرق دارد که به معنای انجام دادن است. قرآن تعبیر «لا تَقْرُبُوا» را دربارهٔ عمل ناشایستی به کار می‌برد که از یک سو جاذبه‌های اثرگذاری دارد که گریز از آن‌ها دشوار است و از سوی دیگر، آدمی در ایستادگی در برابر آن‌ها جدی نیست؛ نظیر ﴿وَلَا تَقْرُبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾^۳ (و به مال یتیم نزدیک نشوید؛ جز به بهترین صورت [و برای اصلاح]). مال یتیم تقریباً مال بی‌منزاع است و انسان نیز به شدت به مال علاقه دارد: ﴿وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا﴾^۴ (و مال و ثروت را بسیار دوست دارید [و به خاطر آن گناهان زیادی مرتکب می‌شوید]). پس زمینهٔ غضب مال بی‌سرپرست موجود است و مانعی هم در کار نیست و شاید آدمی هر لحظه فریب بخورد و آن را تصاحب کند؛ از این رو قرآن با تعبیر ﴿لا تَقْرُبُوا﴾ (نزدیک آن نشوید) وی را از تصرف در مال یتیم باز می‌دارد؛ ولی دربارهٔ اموال دیگران می‌فرماید: اموال را که به همهٔ شما تعلق دارد، از راه‌های ناروا به دست نیاورید: ﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ﴾^۵ (و اموال یکدیگر را به باطل [و ناحق] در میان خود نخورید!) در اینجا تعبیر نکردن که «نزدیک آن نشوید»؛ چون اگر کسی نزدیک آن

برای معتکفی که

روزه‌دار است و

به فرمان معبود از

لذایذ جنسی حلال

و مانند آن پرهیز

می‌کند، به یقین زمینه

چشم‌پوشی از حرام

فراهم است؛ پس

صفای ضمیر و طهارت

روحی، بهره‌او می‌شود

۱. توبه، ۶۳.

۲. بقره، ۱۸۷.

۳. انعام، ۱۵۲؛ اسراء، ۳۴.

۴. فجر، ۲۰.

۵. بقره، ۱۸۸.



شود، صاحبش از آن دفاع خواهد کرد. اهمیت حرمت تصرف در مال دیگران به اندازه حرمت تصرف در مال یتیم نیست؛ از همین رو می‌فرماید: «به مال یتیم نزدیک نشوید.»
 دربارهٔ مباشرت با همسر، خوردن الکل، خوردن و آشامیدن در حال روزه و آمیزش در حال اعتکاف نیز از «نزدیک شدن به آن‌ها» نهی می‌کند؛ چون با نزدیک شدن به آن‌ها، سقوطش حتمی است و نزدیک شدن به این امور، دل سپردن به وسوسه‌ها و خاطرہ‌ها و پروراندن آن‌ها در ذهن و فراهم‌سازی زمینه ارتکاب است.

این هشدار مهم قرآن در حفظ حریم اعتکاف، نشان از اهمیت آن نزد خدای سبحان است. برای معتکفی که روزه‌دار است و به فرمان معبود از لذایذ جنسی حلال و مانند آن پرهیز می‌کند، به یقین زمینه چشم‌پوشی از حرام فراهم است؛ پس صفای ضمیر و طهارت روحی، بهره‌او می‌شود و برای مناجات با ذات اقدس الهی توان می‌یابد.

۲. دعا و مناجات در حال اعتکاف

در زمان اعتکاف، موقعیت برای دعا و مناجات، از جهات مختلف فراهم است و معتکف هوشمند آن را غنیمت می‌شمرد. هرچند خدای متعالی به همگان نزدیک است، به روزه‌داران، دعاکنندگان، نمازگزاران و مهمانان خود که ضیوف‌الرحمان‌اند، نزدیک‌تر است؛ پس معتکف از چند جهت به خدا نزدیک است: روزه‌اش مایهٔ قرب اوست؛ چون آن را «قربة الی الله» انجام می‌دهد. نمازش مایهٔ قرب اوست؛ زیرا نماز، انسان تقوایی‌تر را به خدا نزدیک می‌کند.^۱ حضورش در مسجد مایهٔ تقرب اوست؛ چون در خانهٔ کسی است که بندگان روزه‌دار و صالح خود را ناامید بر نمی‌گرداند. اعتکاف او هم، به اندازهٔ خود، ابزار تقرب اوست؛ گذشته از آنکه با دعا‌های ویژه همراه است.

خدای رحمان، معتکفان آستان قدس و ساحت جلال و جبروت خود را ناامید بر نمی‌گرداند و اگر معتکف به دعا هم پیردازد که این جهت نیز مقرب او به خداست، در این صورت، عناصر محوری پنج‌گانهٔ نماز، روزه، دعا، حضور در مسجد و اعتکاف را دارد و بهترین حال را برای تقرب پیدا می‌کند.

۱. «...عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ الصَّلَاةُ قُرْبَانٌ كُلُّ تَقِيٍّ» (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۶۵).

کسی که مرزوحی و

حریم نبوت و شریعت

را پاس نمی‌دارد و قلمرو

خود را که بندگی

و اطاعت از فرمان

خداست، محترم

نمی‌شمارد، به مبارزه با

حدود الهی رومی آورد و

سرانجام به کفر و نفاق

آلوده خواهد شد



در خلوت اعتکاف

حجت الاسلام والمسلمین جواد محدثی

گاهی باید «آینه» برداشت و در «خلوت خویش»، به چهرهٔ درون نگاه کرد و در نیک و بد و زشت و زیبای آن تأمل داشت.

«اعتکاف» همان آینه است: آینه‌ای سه بُعدی که طول و عرضش «محاسبه» و «مراقبه» است و عمقش «معرفت نفس». در این آینه، راحت‌تر و بی‌واسطه‌تر می‌توان به تماشای سیمای اخلاق نشست و به خود نمره داد.

اعتکاف خلوتی است در جمع، عزلتی است در ازدحام و حضوری است در غیبت از صحنهٔ زندگی روزمره.

میان ما و خدا مسافتی نیست. باید با «گام دل» رفت تا به «گام دل» رسید و دریافت که «از رگ گردن بود نزدیک‌تر با ما خدا».

بی‌دلیل نیست آنان که «طعم اعتکاف» را می‌چشند، همه‌ساله در «ایام البیض» از ماه رجب، کبوتر دلشان هوای حرم می‌کند و از دام و دانه جدا می‌شوند و به خدا می‌پیوندند. این درسی است که از مولایشان امیرمؤمنان علیه السلام آموخته‌اند.

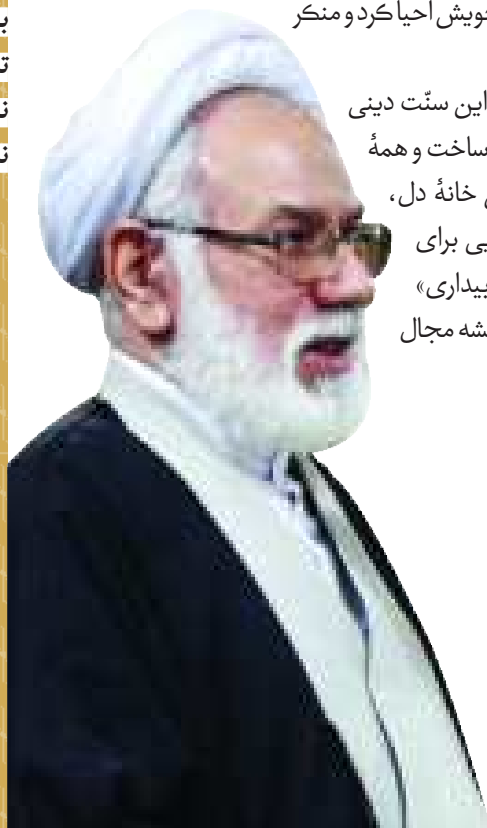
قلمرو قلب ما، هم می‌تواند «مهبط نور» باشد، هم «جولانگاه شیطان». تعیین آن نیز با خود انسان است که تا چه حد، عاشق «معروف» باشد و گریزان از «منکر».

معتکفان سفره عبودیت می‌گسترده و از رزق معنوی بهره می‌برند. این فضای معنوی و خدایی را باید از «مسجد» به «جامعه» برد و از خود به دیگران منتقل کرد و لذت انس با خدا و دوری از گناه و توبه از بدی‌ها را به گرفتاران دام شیطان نیز چشانید.

خانه دل نیازمند مراقبت است و اگر محاسبه‌ای در کار نباشد، مأمن بیگانه و مرتع شیطان می‌شود. صحنه اجتماع نیز نظارت و هدایت و توصیه و تذکر می‌طلبد؛ وگرنه به مزبله گناه یا خانه امن ابلیس تبدیل می‌شود و عفونت گناه و خلاف، مشام روح را می‌آزارد. بیماری قلب، پنهان است و مرضش بی‌نشان و درمانش بسی دشوار. حضور در مساجد در ایام اعتکاف، مراجعه به «پزشک روح» برای «چکاپ جان» است تا ویروس‌ها و آلودگی‌هایش را بشناسیم و مداوا کنیم.

فرصت‌ها را باید مغتنم شمرد. اعتکاف فرصتی است برای بیداری «خود رحمانی». نگذاریم خود الهی و فطرت توحیدی ما زیر لایه‌های ضخیم غفلت و غرور و پرده‌های تیره عصیان و لذت‌پرستی و گناه نابود شده و زیر دست‌وپای خشن «نفس اماره» تباه و خراب شود. می‌توان با «توبه» به فطرت الهی خویش بازگشت. می‌توان با «تهجد» پرده‌های غفلت را کنار زد. می‌توان در نهایت کوجه نومی‌دی، دری رو به انس و صفا و رجا گشود. می‌توان معروف را ابتدا در جان و زندگی خویش احیا کرد و منکر را اول از فکر و رفتار خویش دور ساخت.

در سایه عمل به این فرضیه و احیای این سنت دینی و نبوی، می‌توان همه لحظات را «الهی» ساخت و همه عمر را در اعتکاف و عبودیت بود. وقتی خانه دل، محفل انس با محبوب باشد، دیگر جایی برای «اغیار» نمی‌ماند. با چند مشت از «آب بیداری» خواب را در «چشم غفلت» بشکنیم. همیشه مجال اعتکاف فراهم نیست!



«اعتکاف» همان آینه

است: آینه‌ای سه بُعدی

که طول و عرضش

«محاسبه» و «مراقبه»

است و عمقش

«معرفت نفس». در

این آینه، راحت‌ترو

بی‌واسطه ترمی توان به

تماشای سیمای اخلاق

نشست و به خود

نمره داد



دست نیاز

اعتکاف فرصت مناسبی است تا بنده گنهکار دست نیاز به سوی خدای بنده نواز بالا برد و حوائج خود را از بارگاه حضرت حق طلب کند. در این ایام، با توجه به وضعیت خاص حاکم، دعای بندگان به هدف اجابت نزدیک تر است؛ از همین رو، در این زمینه توجه به چند نکته بایسته است:

۱. قدرت الهی بی مرزو نامتناهی است.

۲. کار او با صرف اراده انجام می گیرد، نه با اعضا و جوارح: «فَاعِلٌ لَا يَمَعْنَى الْحَرَكَاتِ»^۱

۳. در کار او فرقی میان کم و بسیار نیست و هردو برای او آسان اند.

توضیح: اولاً انسان با اراده و تصورش می تواند هم قطره ای از آب را تصور کند و هم اقیانوسی از آن را و تصویر خیالی هردو برای آدمی آسان است؛ ثانیاً انجام دادن هرگونه کار برای خدا

۱. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه، خطبه ۱.

قلمرو قلب ما، هم

می تواند «مهبط نور»

باشد، هم «جولانگاه

شیطان». تعیین آن

نیز با خود انسان است

که تا چه حد، عاشق

«معروف» باشد و

گریزان از «منکر»

آسان است. قرآن کریم در این باره، دو نمونه از آسان‌ترین و سخت‌ترین کارهای جهان را نام می‌برد و می‌فرماید که هر دو برای خدای سبحان آسان‌اند. برای آسان‌ترین کار، مثال سایه شاخص را یاد می‌کند که با روشن کردن چراغ پدید می‌آید و با برداشتن آن، سایه از بین می‌رود؛ چنان‌که درباره سایه می‌فرماید: «به آسانی آن [سایه] را برداشتیم و تفاوتی پیش نیامد»: ﴿ثُمَّ قَبَضْنَا إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا﴾ از این رو برداشتنش آسان است.

درباره سخت‌ترین کار که به هم‌زدن و بازسازی مجموعه نظام کیهانی و زنده کردن همه اولین و آخرین است و از این کار دشوارتر فرض نمی‌شود، می‌فرماید که اولاً مجموعه نظام شمسی رخت برمی‌بندد: ﴿يَوْمَ تَبْدُلُ الْأَرْضَ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ...﴾^۴ (در آن روز که این زمین به زمین دیگر و آسمان‌ها [به آسمان‌های دیگر] مبدل می‌شود...) و ثانیاً همه را دوباره زنده می‌کنیم: ﴿قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ * لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ﴾^۵ (بگو: اولین و آخرین * همگی در موعد روز معینی گردآوری می‌شوند) و ثالثاً این حشر بزرگ و زنده کردن همگان، برای ما آسان است: ﴿ذَالِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ﴾^۶. کلمه «یسیر» چنان‌که هم درباره سایه شاخص به کار رفته و هم حشر همگانی، این را می‌رساند که بازسازی کل جهان نیز برای خدا همانند کشیدن یک سایه اشخاص است.

۴. از سوی دیگر، ما پروریده اهل بیت (علیهم‌السلام) هستیم و آنان ما را به همت والا فرا خوانده‌اند. از وجود مبارک پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آموخته‌ایم که خدا نه تنها با همت‌های بلند مخالف نیست و آن‌ها را منع نمی‌کند، بلکه همت بلند را دوست می‌دارد و همت پست ناخوشایند اوست: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَىٰ جَوَادٌ يُحِبُّ الْجُودَ وَ مَعَالِيَ الْأُمُورِ وَيَكْرَهُ سَفْسَافَهَا»^۵ اگر کسی بگوید «خدا، مرا بیامرز» این یک محدوده محبت است؛ چنان‌که اگر بگوید «خدا، همه ایرانیان را بیامرز»، این نیز حدی دیگر برای محبت است و اگر بگوید «خدا، همه شیعیان جهان را بیامرز و همه مسلمانان بیدار شده را به مقصد برسان و همه ناآگاهان جهان را آگاه کن»، هریک از این‌ها، مرزی از محبت است. برای خدا برآوردن همه این محدوده‌ها تفاوتی ندارد. براساس این سخن پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و دیگر مطالبی که آن گرامی و اهل بیت مطهرشان (علیهم‌السلام) در این باره فرموده‌اند، باید دعاها و خواسته‌ها را گسترش داد و آن ذوات قدسی را واسطه درخواست از خدا در نظر گرفت و آن گرامیان نیز اجابت این دعاها را از محضر ذات اقدس الهی می‌طلبند و خدای سبحان هم می‌پذیرد.^۶

۱. فرقان، ۴۶.

۲. ابراهیم، ۴۸.

۳. واقعه، ۴۹ و ۵۰.

۴. ق، ۴۴.

۵. محمد بن محمد بن اشعث، الجغریات (الاشعثیات)، ص ۱۹۶؛ فضل‌الله بن علی راوندی کاشانی، النوادر، ص ۷.

۶. عبدالله جوادی آملی، بر بنیال اعتکاف، ص ۱۱۶ تا ۱۱۹.

وقتی انجام دادن همه

کارها برای خدای

سبحان آسان است

و او در برآوردن نیاز،

بین کم و بسیار و

نیاز فرد یا همگان

فرقی نمی‌گذارد، چرا

خواست‌های جهانی را

از او نخواهیم؟

مراتب خواسته‌ها

بر پایه آنچه یاد شد، بهتر است معتکفان، به ویژه نسل جوان، خواسته‌هایشان را به دو صورت دنیایی و ملکوتی رتبه‌بندی کنند. حاجت‌های دنیایی را به یکی از این صورت‌ها بخواهند:

۱. درخواست نیازهای شخصی که این گف حاجت آدمی است.
۲. طلب نیازهای محلی و منطقه‌ای و نجات دیگران که ان شاء الله به سعادت راه یابند. درباره اهمیت دعا برای دیگران روایات فراوانی هست؛ به گونه‌ای که ائمه اطهار علیهم‌السلام و برخی شاگردان آنان در جایی مانند سرزمین عرفات که دعا مستحب است، قسمت مهم همت خویش را به کار گرفته و تنها برای دیگران دعا می‌کردند.^۱

راز اهمیت دعا برای دیگران این است که دعا برای خود در برخی از مواقع مستجاب نخواهد شد؛ زیرا پاره‌ای از گناهان آن را حبس می‌کنند: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ»^۲ و چه بسا مطلبی را تبهکار یا پرهیزکار از خدا می‌خواهد؛ ولی مستجاب شدنش به مصلحت او نیست، در حالی که دعا برای دیگران سبب می‌شود فرشتگان برای دعاکننده دعا کنند و فرشتگان بی‌اذن الهی سخن نمی‌گویند و جز مطلوب او را که مطابق صلاح فرد و جامعه و نظام جامع است، نمی‌جویند: «لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ»^۳ از این رو درخواستشان پسندیده خداست و به یقین برآورده می‌شود. پس سود دعا برای دیگران، واسطه شدن فرشتگان برای دعاکننده و طلب چندبرابری همان دعا برای او و استجابت یقینی دعاست.

۳. تقاضای نیازهای بین‌المللی و نجات همگانی جهان از انحراف و زشتی‌های اخلاقی؛ وقتی انجام دادن همه کارها برای خدای سبحان آسان است و او در برآوردن نیاز، بین کم و بسیار و نیاز فرد یا همگان فرقی نمی‌گذارد، چرا خواسته‌های جهانی را از او نخواهیم؟^۴

بهترین خواسته

اعتکاف زمان گفت‌وگو با خدا، مستمع خدا شدن، با خدا هم‌کلام شدن و سخن او را شنیدن است و این آثار فراوانی دارد؛ پس در چنین حالی که زمینه قرب الهی و مناجات با او فراهم است، شایسته است معتکف درخواست‌های ملکوتی را نیز داشته باشد که لقای ذات اقدس الهی و اسمای حسنی او است. این خواسته، بر فراز خواسته‌های دنیایی و بالاتر

۱. نک: «عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ رَأَيْتُ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ جُنْدَبٍ فِي الْمَوْقِفِ فَلَمَّ أَرَّ مَوْقِفًا...» (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۰۸).
 ۲. «رَوَى أَنَّ كَمَيْلَ بْنَ زَيْدِ النَّخَعِيِّ رَأَى أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ سَاجِدًا...» (محمد بن حسن طوسی، مصباح المتعجد و سلاح المتعبد، ج ۲، ص ۸۴۴).
 ۳. انبیاء، ۲۷.
 ۴. نک: عبدالله جوادی آملی، بریال اعتکاف، ص ۱۲۰ تا ۱۲۳.

از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آموخته‌ایم که خدانه‌تنها با همت‌های بلند مخالف نیست و آن‌ها را منع نمی‌کند، بلکه همت بلند را دوست می‌دارد و همت پست ناخوشایند است





در زیارت جامعه کبیره

در باره اهل بیت (علیهم السلام)

آمده است که «من

گواهی می‌دهم که

شما... عمل‌کنندگان

بر اساس اراده الهی

هستید.» کسی که

چنین کند، به ملکوت

عالم می‌رسد

از آن‌هاست و لذت واقعی، پس از این است: «مَنْ ذَا الَّذِي ذَاقَ حَلَاوَةَ مَحَبَّتِكَ فَرَامَ مِنْكَ بَدَلًا» یعنی چه کسی شیرینی محبت تو را چشید، پس در پی جایگزین آن برآمد؟! ممکن است به کسی که به فکر توشه راه باشد و نماز بیشتری خوانده و روزه بیشتری بگیرد، ثواب بیشتری بدهند و به جای ده غرفه بهشتی، صد غرفه یا بیشتر به او پاداش بدهند؛ ولی او در «جَنَاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ»^۱ است و هرگز به مقام «عِنْدَ مَلِيكٍ مُقْتَدِرٍ»^۲ نمی‌برندش. دستیابی به این منزلت، با ادراک و معرفت است. گرچه کوشش برای دریافت نعمت‌های الهی در حد خود، مرتبه‌ای از عبادت است، بهتر است انسان خواسته‌هایش را متعالی کرده و اراده کند که در محضر خدا به غیر از تنایش، از او چیزی نخواهد.

امام صادق (علیه السلام) فرموده‌اند: «بنده برای آنکه نزد خدا اظهار نیاز کند، نخست زبان به ستایش او و صلوات بر محمد و آلش می‌گشاید و در این حال، حاجتش را فراموش می‌کند؛ پس خدا آن را برایش برآورد؛ بی آنکه از او درخواست کرده باشد.»^۳ مرتبه بالاتر، این است که انسان نمی‌گوید «من می‌خواهم که چیزی نخواهم»، بلکه

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۱۴۸؛ محمدباقر مجلسی، زاد المعاد، ص ۴۱۲.

۲. آل عمران، ۱۵.

۳. قمر، ۵۵.

۴. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ إِنَّ الْعَبْدَ لَيَكُونُ لَهُ الْحَاجَةُ إِلَى اللَّهِ...» (محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۰۱).

خواستن او فانی در اراده حق است و او از خود اراده‌ای ندارد؛ یعنی نه چیزی می‌خواهد، نه می‌خواهد که نخواهد؛ بلکه فقط خواسته خدا را می‌خواهد.

جابر بن عبدالله انصاری رضی الله عنه در پایان عمر به ضعف و سستی مبتلا شد و امام باقر علیه السلام به دیدنش رفت و از حالش جويا شد. گفت در حالتی است که پیری را از جوانی و بیماری را از تندرستی و مرگ را از حیات بیشتر دوست دارد. امام فرمودند: «ای جابر، اما من اگر خدا پیرم کند، پیری را دوست می‌دارم؛ چنانچه جوانم کند، جوانی را دوست می‌دارم؛ اگر بیمارم کند، بیماری را دوست می‌دارم؛ چنانچه شفایم دهد، درمان را دوست می‌دارم؛ اگر مرگ را برایم برگزیند، مرگ را دوست می‌دارم و چنانچه زنده‌ام بگذارد، زنده بودن را دوست می‌دارم.»

وقتی جابر این سخن را از امام شنید، چهره امام را بوسید و گفت که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم درست سخن گفته است. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده بودند: «ای جابر، در آینده فرزندی از من را می‌بینی که وی همان‌من است و دانش را می‌شکافد؛ همان‌گونه که گاو نر زمین را شخم می‌زند و به همین سبب، شکافنده علم گذشتگان و آیندگان نامیده شده است.»^۱

در زیارت جامعه کبیره درباره اهل بیت علیهم السلام آمده است که «من گواهی می‌دهم که شما... عمل‌کنندگان براساس اراده الهی هستید.»^۲ کسی که چنین کند، به ملکوت عالم می‌رسد. برای نمونه، قرآن کریم در آیاتی یاد می‌کند که خدا حقیقت ملکوتی آنچه را در زمین به شکلی ویژه دیده می‌شود، آشکار فرموده است.

مثال: هنگامی که موسای کلیم علیه السلام به وادی مقدس طوی گام نهاد، خدای سبحان با او سخن گفت و از او پرسید: «آنچه به دست راست خود داری، چیست؟»: «وَمَا تِلْكَ بِيْمِينِكَ يَا مُوسَى» و موسی که جز چوب‌دستی چیزی در دست خود نمی‌دید، پاسخ داد: «این، عصای من است»: «قَالَ هِيَ عَصَايَ»^۳.

خدای سبحان برای اینکه نشان دهد چوب‌دستی ساده‌ای که در دست او بود و به ظاهر عصا دیده می‌شد، در واقع آیت زنده‌ای از آیات شگفت خداست، فرمان داد که آن را بر زمین افکند: «قَالَ أَلْقِهَا يَا مُوسَى» و چون موسی چنین کرد، چیز دیگری دید و آنچه را به ظاهر عصا می‌انگاشت، ماری شتابان شد؛^۴ پس عصا را ظاهری بود به دست موسای کلیم؛ ولی حقیقت ملکوتی و اصل آن در پیشگاه خدای سبحان قرار داشت که با فانی شدن اراده موسی در اراده حق و عمل‌کردنش طبق خواست حق، به او نشان داده شد.^۴

۱. «وَوُيُؤَىٰ أَنْ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ابْتُلِيَ فِي آخِرِهِ...» (زین‌الدین بن علی (شهید ثانی)، مسکن القواد عند فقد الأحمبة والأولاد، ص ۸۷).

۲. «وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ... الْعَامِلُونَ بِأَرَادَتِهِ» (محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۱۱؛ محمد بن جعفر بن مشهدی، المزار الکبیر، ص ۵۲۶).

۳. نک: طه، ۲۱ تا ۲۱۷.

۴. نک: عبدالله جوادی آملی، بر بال اعتکاف، ص ۱۲۶ و ۱۲۷.

گرچه کوشش برای

دریافت نعمت‌های

الهی در حد خود،

مرتبه‌ای از عبادت

است، بهتر است

انسان خواسته‌هایش

را متعالی کرده و اراده

کند که در محضر خدا

به غیر از تنایش، از او

چیزی نخواهد



سیرت

امام سجاد علیه السلام در

«مناجات محبین»

چنین عرض می‌کنند:

«ای غایت آرزوهای

دوستداران، دوستی

تو و دوستی کسی را

که تو را دوست دارد و

دوستی هر عملی را که

مرا به قرب تو رساند، از

تومی خواهم.»

عشق در عبادت باشناخت عمیق از معبود و عبادت او پیدامی شود. سید بن طاووس رحمته که معروف به سید اهل مراقبه است، در این باره می‌فرماید:

بدان کمال اعتکاف در این است که عقل و دل و اعضای پیکر را تنها بر انجام دادن عمل صالح [اعتکاف] به کارگیری و آن‌ها را بر درگاه قدس الهی و اراده اش حبس کنی و مقید به مراقبت باشی و آن‌ها را از چیزهایی که روزه دار در کمال روزه خود مراعات می‌کند، نگه داری... پس هرگاه معتکف با غفلت و سستی، دلش را که در شعاع تابش انوار عقل است، به غیر خدا برگرداند یا عضوی از پیکرش را در غیر طاعت رب به کارگیرد، به همان اندازه، حقیقت کمال اعتکافش را تباه کرده است.^۱

امام باقر علیه السلام اساس دین را دوست داشتن می‌داند.^۲ عبادت نیز زمانی به کمال خود می‌رسد که عشق به معبود، به عبادتش نیز سرایت کند. امام سجاد علیه السلام در «مناجات محبین» چنین عرض می‌کنند: «ای غایت آرزوهای دوستداران، دوستی تو و دوستی کسی را که تو را دوست دارد و دوستی هر عملی را که مرا به قرب تو رساند، از تو می‌خواهم.»^۳

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «بهترین مردم کسی است که عبادت را معشوق خود بداند و

۱. «واعلم أنَّ کمال الاعتکاف هو ایقاف العقول والقلوب والجوارح...» (علی بن موسی بن طاووس، إقبال الأعمال، ص ۱۹۵).

۲. «هَلْ الذِّينَ إِلَّا الْحُبُّ» (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۸۰).

۳. «وَيَا غَايَةَ آمَالِ الْمُحِبِّينَ أَشَأَلُكَ حُبُّكَ...» (محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۱۴۹).

آن را دربرگیرد و با تمام وجود لمس کند و خود را برای آن فارغ سازد؛ آنگاه نگران نخواهد بود که دنیا برای او به سختی بگذرد یا به آسانی.^۱

این سخن رسول خدا ﷺ را با بیان چند مثال می‌توان این‌گونه توضیح داد: عبادت کردن چندان دشوار نیست. عاشق عبادت بودن و باطن آن را دوست داشتن مهم است؛ چنان‌که جنگیدن رزم‌آوری دلیر چندان مهم نیست؛ بلکه مهم آن است که جنگیدنش الهی باشد و جهاد فی سبیل‌الله را دوست داشته باشد. همه جنگ‌آوران جهان طبیعت محو شدند و فقط نام رزمندگان اسلامی و شهیدان خدایی در جهان ماند و برای همیشه ماندگار است و تاریخ را متوجه خود می‌کنند؛ چون پیکارشان روح الهی داشت و برای دنیا و مقام و برای خود نبود. کسی که برای خاک می‌رزد، خونش هم به اندازه خاک می‌ارزد؛ ولی اگر برای خدا نبرد کند، خونش «ثارالله» است و خدای سبحان انتقام خون او را خواهد گرفت.

دوستدار جهاد فی سبیل‌الله برای ابد زنده است. نمازگزار و روزه‌دار و معتکف، برای ابد زنده‌اند. میان کسی که نماز می‌خواند و کسی که مانند سیدالشهدا علیه السلام نماز را دوست دارد، بسیار فرق است. آن حضرت غروب تا سوعا به حضرت عباس علیه السلام فرمودند: «امروز را از آن‌ها مهلت بگیر تا امشب برای پروردگاران نماز بگزاریم و او می‌داند که من چقدر نماز و تلاوت کتابش را دوست دارم.»^۲

راه رسیدن به حکمت عبادت آن است که عابد، جز معبود را نبیند و رکن اساسی این است که انسان، چیزی جز حق را دوست نداشته باشد که در این صورت نگران نیست؛ چون به چیزی از دست رفتنی دل نبسته و آنچه به آن علاقه دارد نیز از دست رفتنی نیست؛ از این رو نه غمی به سراغ عارف می‌آید، نه اندوهی او را فرامی‌گیرد.

انسان گاهی از گذشته غمگین و از آینده هراسناک است. اگر کسی از گذشته و آینده نجات پیدا کند، دیگر سخن از آن‌ها نیست؛ چون از زمان بالاتر آمده و روی گذشته و آینده پا گذاشته است. چیزی را پیش‌تر از دست نداده تا اندوهگین باشد و چیزی را در آینده از دست نمی‌دهد تا هم‌اکنون ترسناک باشد و به سخن بوعلی سینا رحمته الله، «عارف گشاده‌رو، بشاش و متبسم است و کوچک و بزرگ از فروتنی او بهره‌مند می‌شوند. وی هم از دیدار همگان شادمان است و چرا چنین نباشد که او همه هستی را تجلی حق می‌بیند.»^۳ «عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست».^۴ این نشانه‌پی بردن به حکمت عبادات است.^۵

۱. «أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ عَشِقَ الْعِبَادَةَ فَعَاتَقَهَا وَأَخْبَهَا بِقَلْبِهِ وَ...» (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۸۳).

۲. «قَالَ لِأَخِيهِ الْعَبَّاسِ علیه السلام إِنَّ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَضْرِبَهُمْ عَنَّا فِي هَذَا الْيَوْمِ...» (علی بن موسی بن طاووس، اللهوف، ص ۸۹).

۳. «العارف هَشٌّ بِشِّ بَسَامٍ يَبْجَلُ... فَإِنَّهُ بَرِي فِيهِ الْحَقُّ» (بوعلی سینا، الاشارات و التنبيهات، ص ۱۴۷).

۴. سعدی، کلیات، مواعظ، ص ۹۵۱.

۵. نک: عبدالله جوادی آملی، بر بال اعتکاف، ص ۱۸۸ تا ۱۹۰.

کسی که برای خاک
می‌رزد، خونش هم
به اندازه خاک می‌ارزد؛
ولی اگر برای خدا نبرد
کند، خونش «ثارالله»
است و خدای سبحان
انتقام خون او را خواهد
گرفت



آسیب شناسی اعتکاف

بنا به فرموده امام علی علیه السلام برای هر چیز، آفت و آسیبی وجود دارد. گاهی شناختن این آفت‌ها و بی‌توجهی به آن‌ها باعث می‌شود آثار و نتایج کارها به حداقل یا حتی به صفر برسد. اعتکاف هم از این قاعده مستثنا نیست. برای اعتکاف هم آسیب‌ها و آفت‌هایی وجود دارد که اگر به آن‌ها توجه نشود، ممکن است نتایج آن را به حداقل برساند. اینک برخی از این آسیب‌ها را یادآوری می‌کنیم:

۱. علم‌زدگی

توجه بیش از حد به جنبه‌های علمی و کمرنگ بودن برنامه‌های عبادی، یکی از آسیب‌های مبتلابه برنامه‌های اعتکاف است. با آنکه علم‌آموزی هم نوعی عبادت است و باید از فرصت‌ها استفاده کرد و سطح بینش‌ها را ارتقا داد؛ اما با همه این‌ها، در اعتکاف باید صبغه و ظهور برنامه‌های عبادی بیشتر باشد.

۲. بیهوده‌گذرانی

یکی از صحنه‌های زیبای اعتکاف، نشست‌های صمیمانه و بانشاط معتکفان کنار یکدیگر، به خصوص بعد از افطارهاست که موجب رفع خستگی‌ها و انس و الفت می‌شود؛

توجه بیش از حد
به جنبه‌های علمی
و کمرنگ بودن
برنامه‌های عبادی،
یکی از آسیب‌های
مبتلابه برنامه‌های
اعتکاف است



اما گاهی زیاده روی در این گونه برنامه ها یا استفاده غیر ضروری از تلفن همراه و... زمینه ساز ازدست دادن فرصت و غفلت و کسالت در عبادت می شود. لازم است معتكف مراقب این آفت باشد.

۳. بی توجهی به حق الناس

از آنجا که اعتكاف، یک عمل گروهی است و معتكفان در قبال یکدیگر حقوقی دارند، لازم است در رفت و آمدها و نشست و برخاستها و... حقوق یکدیگر را رعایت کرده و خدای ناکرده حق دیگران را ضایع نکنند؛ چرا که ظلم به دیگران و رنجاندن آن ها، از موانع استجابت دعاست.

۴. غفلت بعد از اعتكاف

بسیاری از افراد، در ایام اعتكاف به توفیقاتی دست می یابند و عنایات الهی شامل حالشان می شود و حال خوشی پیدا می کنند؛ اما بعد از اعتكاف، بر اثر مراقبت نکردن و ترک اعمال صالحی که در ایام اعتكاف انجام می داده اند، نورانیت و صفای قلبشان را از دست می دهند. آنچه باعث شده است انسان در اعتكاف احساس معنویت بهتری پیدا کند، انس با یاد خدا، خلوت با او، روزه داری، تلاوت قرآن و انس با مسجد است؛ بنابراین شایسته است که معتكفان بعد از اعتكاف نیز با حضور روزانه در مسجد و جلسات معنوی و انس با قرآن و ادعیه و سحر خیزی، نگذارند تأثیرات معنوی و نورانی اعتكاف از بین برود.

۱. نک: مؤسسه ایمان ماندگار، اعتكاف نیکان، ص ۱۱۷ تا ۱۲۰.

شایسته است که

معتكفان بعد از

اعتكاف نیز با حضور

روزانه در مسجد

و جلسات معنوی

و انس با قرآن و

ادعیه و سحر خیزی،

نگذارند تأثیرات

معنوی و نورانی

اعتكاف از بین برود



سنگِ تمام

آداب کمالی اعتکاف

برخی امور به گونه‌ای عام و محوری، شرط کمال همه عبادات از جمله اعتکاف اند؛ اما بعضی از امور تنها شرط کمال اعتکاف اند که در واقع، آداب اعتکاف اند و تحت همین عنوان، یعنی «آداب اعتکاف» بیان می‌شوند.

۱. رعایت آداب کمال نماز: هر چیزی که ادب کمال نماز است، مانند مسواک زدن، ادب کمال اعتکاف هم است؛ زیرا هرچه نماز در ایام اعتکاف کامل تر باشد، سبب کمال اعتکاف است.

۲. رعایت آداب کمال روزه: هر چیزی که ادب کمال بخش برای روزه است، ادب کمال اعتکاف نیز شمرده می‌شود؛ چون روزه یکی از ارکان اعتکاف است.

۳. شرط گذاشتن در آغاز نیت: یعنی به هنگام نیت اعتکاف، شرط کند^۱ «چنانچه برای من عذر یا حادثه‌ای پیش آمد یا خواستم از اعتکاف خارج شوم، از اعتکاف درآیم.»^۲

۱. درباره مستحب بودن یا جایز نبودن این شرط، بین فقهای بزرگوار تفاوت نظر وجود دارد؛ پس در این باره، هر کس باید به حکم مرجع تقلید خود عمل کند. (نک: محمد بن محمد بن حامد بن مکی جزینی عاملی، الدروس الشرعية

فی فقه الامامية، ج ۱، ص ۳۰۰ و ۳۰۱؛ زین الدین بن علی بن احمد بن تقی عاملی، الروضة البهية، ج ۲، ص ۱۵۴ و ۱۵۵).

۲. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۲، ص ۲۵۷، مسئله ۴۰.

هر چیزی که ادب

کمال نماز است، مانند

مسواک زدن، ادب

کمال اعتکاف هم

است؛ زیرا هرچه نماز

در ایام اعتکاف کامل تر

باشد، سبب کمال

اعتکاف است

معنای چنین شرطی این نیست که با حفظ اعتکاف و بی‌علت از مسجد بیرون برود یا کاری را که برای معتکف حرام است، درحال اعتکاف انجام بدهد؛ بلکه معنایش این است که با بروز حادثه یا تصمیم بر ترک اعتکاف، نخست از اعتکاف خارج می‌شود، سپس می‌تواند اموری را انجام دهد که بر معتکف حرام شده بود؛ چون پس از خروج از اعتکاف، دیگر معتکف نیست و احکام حرمت اعتکاف بر او بار نمی‌شود. چنین شرطی درحال احرام حج و عمره نیز جایز یا مستحب است و وقت آن هم، هنگام نیت است، نه قبل از نیت یا پس از آن.^۱

امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «کسی که می‌خواهد معتکف شود، سزاوار است همانند شخصی که می‌خواهد مُحرم شود، چنین شرطی بکند.»^۲ و امام باقر علیه السلام نیز فرموده‌اند: «معتکف، بی‌آنکه چنین شرطی کرده باشد، اگر یک روز در اعتکاف بماند و بخواهد از اعتکاف خارج شود، می‌تواند بیرون رود؛ ولی اگر شرط نکرده باشد و دو روز هم در اعتکاف مانده باشد، نمی‌تواند روز سوم خارج شود.»^۳

براساس این روایت، سزّ این شرط این است: افزون بر آنکه در دو روز نخست اعتکاف که هنوز واجب نشده است، می‌تواند از اعتکاف خارج شود، در روز سوم نیز پس از این شرط، اگر عذری پیش آید، خارج شدنش از اعتکاف حرام نیست.

۴. حفظ حرمت مسجد: مسجد مکان اعتکاف است و پاسداشت حریم آن، ادب کمال اعتکاف.

۵. رعایت حقوق دیگر معتکفان: از چیزهایی که بر معتکف حرام است، هرگونه اذیت و آزار و ضایع کردن حقوق دیگر کسانی است که در مسجد حضور دارند؛ مانند سروصدای بلند و رفت و آمدهای غیرضرور و آلوده کردن هوا و فضا و ... رعایت نکردن این حقوق، به لحاظ حق الناس بودن، مانع و حجاب سفر سلوکی معتکفان است.

۶. پوشش مناسب معتکف: از نمونه‌های ادب در نماز و حضور در عبادات اجتماعی، مانند اعتکاف و نماز جمعه، پوشش ظاهری و باطنی مناسب است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «مَنْ

از چیزهایی که بر

معتکف حرام است،

هرگونه اذیت و

آزار و ضایع کردن

حقوق دیگر کسانی

است که در مسجد

حضور دارند؛ مانند

سروصدای بلند

ورفت و آمدهای

غیرضرور و آلوده کردن

هوا و فضا و ...

۱. نک: سید محسن طباطبایی حکیم، مستمسک العروة الوثقی، ج ۸، ص ۵۸۱ تا ۵۸۳.
 ۲. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ ... وَ يَنْبَغِي لِلْمُعْتَكِفِ إِذَا اغْتَكَفَ ...» (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۱۷۷).
 ۳. «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ إِذَا اغْتَكَفَ يَوْمًا ...» (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۱۷۷).

اتَّقَى عَلَى تَوْبِهِ فِي صَلَاتِهِ فَلَيْسَ لِلَّهِ اِكْتَسَى. ^۱ کسی که دو لباس تمیز و کهنه دارد و در نماز از لباس های کهنه خود استفاده می کند، برای خدا لباس نپوشیده است؛ بلکه برای خلق خدا لباس به تن می کند. یا اگر لباس تمیز پوشیده است، ولی برای آنکه لباسش غبار نگیرد و آلوده نشود، نماز را به تأخیر می اندازد یا (معاذ الله) نمی خواند، معلوم می شود او برای خدا لباس نپوشیده است. خدا می فرماید: ﴿يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ﴾ ^۲ (ای فرزندان آدم، زیورهای خویش را در مساجد [و هنگام عبادت] با خود بردارید.)

بر این اساس، همان اموری که در لباس نمازگزار مستحب اند، از آداب کمال اعتکاف شمرده می شوند؛ مانند پوشیدن پاکیزه ترین لباس ها، پوشیدن لباس سفید، پوشیدن عبا به ویژه برای امام جماعت و استعمال بوی خوش ملایم، به گونه ای که سبب آزار دیگران نشود که اگر به آزار دیگران انجامد، از مصادیق ایذای مؤمن و رعایت نکردن حق آنان است. به دست کردن انگشتر عقیق نیز یکی دیگر از این آداب است.

۷. رعایت آداب حضور در مسجد: امام باقر علیه السلام برای ورود به مسجد و نشستن در آن، به اموری توصیه فرموده اند: پاک و با وضو بودن، بسم الله گفتن به هنگام ورود، روبه قبله بودن به هنگام خواندن دعا، حمد خدا را به جای آوردن و بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرستادن و خواسته های خود را با خدا در میان نهادن. ^۳

مستحب است برای ورود به مسجد این دعا خوانده شود: پس از آنکه پای راست را پیش گذاشتی، بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ مِنَ اللَّهِ وَ إِلَى اللَّهِ وَ خَيْرُ الْأَسْمَاءِ كُلِّهَا لِلَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ تَوَتَّيْتُكَ وَ أَغْلِقْ عَنِّي أَبْوَابَ مَعْصِيَتِكَ وَ اجْعَلْنِي مِنْ رُؤَاكِرِكَ وَ عَمَّارِ مَسَاجِدِكَ وَ مَمَّنْ يَنَاجِيكَ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ مِنَ «الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ» ^۴ وَ ادْخُرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ الرَّجِيمَ وَ جُنُودَ إِبْلِيسَ أَجْمَعِينَ. ^۵

به نام خدا و به یاری خدا و از خدا و به سوی خدا و تمام بهترین اسامی از آن خداست. بر خدا توکل کردم و هیچ حرکت و قوتی

۱. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۰۶.

۲. اعراف، ۳۱.

۳. «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ إِذَا دَخَلْتَ الْمَسْجِدَ وَأَنْتَ تُرِيدُ...» (محمد بن حسن طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۶۳).

۴. مؤمنون، ۲.

۵. محمد بن حسن طوسی، مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، ج ۱، ص ۳۲ و ۳۳، به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله.

همان اموری که

در لباس نمازگزار

مستحب اند، از آداب

کمال اعتکاف شمرده

می شوند؛ مانند

پوشیدن پاکیزه ترین

لباس ها، پوشیدن

لباس سفید، پوشیدن

عبا به ویژه برای

امام جماعت و استعمال

بوی خوش ملایم،

به گونه ای که سبب آزار

دیگران نشود

نیست، مگر به سبب خدا. خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست و درهای رحمت و توبه خود را به روی من بگشا و درهای معصیت خود را به روی من ببند و مرا از زوار خود و آبادکنندگان مساجدت قرار ده و از جمله کسانی که در شبانه روز با تو راز می گویند و «آن‌هایی که در نماز فروتن و خاشع‌اند» و [نیز] شیطان رانده شده و تمام سپاه ابلیس را از من دور کن.

امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «هرگاه به مسجد قدم نهادی، بگو: **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ** و چون از مسجد خارج شدی، بگو: **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ**»^۱.

۸. نماز تحیت: ابوذر نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفت و آن حضرت درحالی که در مسجد نشسته بود، به وی فرمودند: «ابوذر، مسجد تحیتی (هدیه‌ای) دارد.» عرض کرد: «تحیت مسجد چیست؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «به جا آوردن دو رکعت نماز.»^۲

۹. سحرخیزی: از جمله آداب معتکفان خداجو، سحرخیزی و به جا آوردن نماز شب است که در غیر زمان اعتکاف نیز بسیار بر آن تأکید شده است. کسی که می‌خواهد به لقاء الله برسد و مسافر پرتلاش به سوی خدا باشد، یا پیاده است یا سواره. پیاده روی بسیار سخت است و سفر آسان، مرکب راهوار می‌خواهد. سحرخیزی و نماز شب، براساس رهنمود قرآن کریم و احادیث اهل بیت علیهم السلام مرکب راهوار است: **«إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأًا وَأَقْوَمُ قِيلًا»**^۳. چون انسان در سحرخیزی، با شرایط و حال و هوای خاص آن، نه مزاحم درونی دارد، نه مزاحم بیرونی. کسی که از خواب بیدار می‌شود، با رفع خستگی برمی‌خیزد؛ پس مزاحم درونی ندارد و عوامل بیرونی هم در خواب‌اند؛ پس هیچ مزاحمی در بین نیست. شاید به همین دلیل است که وجود مبارک امام عسکری علیه السلام فرموده‌اند: «راهیابی به پیشگاه الهی، سفری است که جز با مرکب راهوار [یعنی عبادت شبانه و نماز شب] به دست نمی‌آید.»^۴

۱. «عن أبي عبد الله عليه السلام قال إذا دخلت المسجد فصلِّ على النبي صلى الله عليه وآله...» (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۳۰۹).

۲. نک: «عن أبي ذرٍّ قال دخلت على رسول الله صلى الله عليه وآله وهو في المسجد...» (محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، معانی الأخبار، ص ۳۳۳).

۳. «به راستی عبادت شبانه برای پیراستن نفس، یابرجاترو بااستقامت تراست» (مزمل، ۶).

۴. «قال أبو محمد الحسن العسكري عليه السلام إنَّ الوصول إلى الله...» (محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۸۰).



۱۰. **تلاوت سحرگاهی:** برای توسعه معرفت دینی، به ویژه شناخت توحیدی، مناسب است معتکفان در سحرگاهان، همانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با اندیشه و تأمل، به آسمان و ستارگان بنگرند و آیات قرآنی را قرائت کنند که آن حضرت تلاوت می کردند. گرچه تلاوت بخش پایانی سوره آل عمران برای همه انسان ها در همه شرایط، سودمند است، گزارش شده است که وجود مبارک پیغمبر صلی الله علیه و آله هنگام برخاستن از خواب سحرگاه، به آسمان نگاه می کردند و آیات ۱۹۰ تا ۱۹۴ از سوره «آل عمران» را قرائت می کردند. شایسته است شب زنده دارانی که به پیغمبر صلی الله علیه و آله تأسی می کنند نیز این چند آیه را پیش از نماز شب قرائت کنند. شب زنده داری که در سحر می گوید «رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ...»، باید به گونه ای باشد که صدای ندای الله و فرشتگان الهی و رسول الله صلی الله علیه و آله را بشنود. چنین انسانی در این لحظه ها با خدا خلوت می کند.

برخی از آداب مستحب مسجد بدین شرح اند: ۱. نظافت مسجد و روشن کردن چراغ آن؛ ۲. وارسی کردن ته کفش خود برای ورود به آن تا نجاستی بر آن نباشد؛ ۳. پوشیدن لباس تمیز و خوب برای رفتن به مسجد؛ ۴. گذاشتن پای راست هنگام ورود به مسجد و گذاشتن پای چپ هنگام خروج از آن؛ ۵. دعا کردن هنگام ورود به مسجد و خروج از آن. برخی از آداب مکروه مسجد به فرموده امام صادق علیه السلام بدین شرح اند: ۱. مسجد نباید محل خرید و فروش باشد؛ ۲. نباید مکان حضور دیوانگان و خردسالان، بدون سرپرست باشد؛ ۳. نباید جای اجرای احکام و حدود و یافتن گمشده ها باشد؛ ۴. نباید محل بلند کردن صدا [غیر از اذان و بیان معارف دین] باشد؛ ۵. نباید جای خوردن غذایی مانند سیر و پیاز باشد که سبب آزار دیگران می شود؛ چنان که ورود به مسجد برای افرادی که دهان آن ها بوی سیر و پیاز و... می دهد، روا نیست.^۲

برای توسعه معرفت

دینی، به ویژه شناخت

توحیدی، مناسب

است معتکفان در

سحرگاهان، همانند

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با

اندیشه و تأمل، به

آسمان و ستارگان

بنگرند و آیات قرآنی

را قرائت کنند که

آن حضرت تلاوت

می کردند

۱. «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَيَّبُوا مَسَاجِدَكُمْ الْبَيْع...» (محمد بن حسن طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۴۹).

۲. نک: عبدالله جوادی آملی، بر ریال اعتکاف، ص ۲۱۲ تا ۲۲۲.



یک تیر و چند نشان

اعتکاف از عباداتی است که در آن، معتکف می‌تواند با نیت‌های متعدد، به فضیلت‌های فراوانی دست یابد. مرحوم فیض کاشانی با برشمردن فضایل برخی از عبادات، همچون اعتکاف، در این باره می‌نویسد:

بخشی از عبادات، به گونه‌ای هستند که افزایش فضیلتشان به کثرت نیت خیر در آن‌ها بستگی دارد؛ یعنی می‌توان در یک عبادت، خیرات بسیاری را نیت کرد تا به هر نیتی، پاداش بهره‌ او شود؛ چون هر کدام از آن‌ها حسنه‌ای است و هر حسنه‌ای ده برابر آن ثواب دارد.^۱

نمونه‌اش نشستن و اعتکاف در مسجد است که طاعت است و می‌توان در آن امور بسیاری را نیت کرد تا از فضایل اعمال پرهیزکاران بهره‌مند شد و به درجات مؤمنان رسید.

چیزهایی را که می‌توان در اعتکاف نیت کرد تا فضیلت آن دوچندان شود، بدین شرح‌اند:

۱. زیارت خدا: طبق حدیثی از پیامبر ﷺ کسی که به مسجد درآید، خدا را دیدار می‌کند و بر زیارت شونده حق است که زیارت‌کننده خود را اکرام کند.^۲ اگر معتکف با این اعتقاد معتکف شود که مسجد خانه خداست و کسی که در آن وارد شود، زائر خداست، به ثواب آن خواهد رسید.

۱. «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَثْمَالِهَا» (انعام، ۱۶۰).

۲. «ثُمَّ رَأَى فِي بَيْتِي أَلَا إِنَّ عَلَى الْمَزُورِ كَرَامَةَ الزَّائِرِ...» (احمدین محمدین خالد برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۴۷؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۳۷۳).

۲. **انتظار نماز:** معتکف، پس از ادای نماز می‌تواند انتظار نمازی دیگر را قصد داشته باشد، تا از منتظران نماز به شمار آید.

۳. **روزه و پارسایی:** اعتکاف خودنگهداری و بازداشتن نفس از بسیاری از چیزهاست که از این جهت با روزه همسان است و نوعی رهبانیت و پارسایی است که چنین فضیلتی نیز مرتبه کمال نفس است و از راه بازداشتن گوش و چشم و دیگر اعضا از حرکات و رفت‌وآمدهای ناروا و غیرمجاز به دست می‌آید؛ از این رو امام صادق علیه السلام از قول پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «رهبانیت امت من، نشستن در مساجد است.»^۱

۴. **تفکر درباره آخرت:** معتکف با گوشه‌گیری در مسجد، خود را برای خدا وقف می‌کند و درونش را با تفکر درباره آخرت همراه کرده و سرگرمی‌های بازدارنده را از خود دور می‌کند.

۵. **ذکر و یاد خدا:** معتکف با نشستن در مسجد، رهایی از غیر خدا برای یاد خدا و شنیدن ذکرش و یادآوری ذکر او برای دیگران را تجربه می‌کند.

۶. **تعلیم و امر به معروف:** معتکف با نیت تعلیم و بیان احکام الهی، ناآشنایان به احکام دین را راهنمایی می‌کند؛ در نتیجه در ثواب کسی که امور خیری از او فرا می‌گیرد، شریک است و اجرش چند برابر می‌شود.

۷. **یافتن برادر الهی:** معتکف با آشنایی با مؤمنان در این فرصت، به آمار برادران دینی خود می‌افزاید و این غنیمتی برای دنیا و ذخیره‌ای برای آخرت اوست و مسجد، آشیانه اهل دین و کسانی است که خدا را دوست می‌دارند و در راه او دوستی می‌کنند.

۸. **صبر و حیا:** معتکف به سبب شرم از خدا، گناهان را ترک می‌کند و حیا نمی‌گذارد که در خانه خدا کاری که به هتک حرمت آن بینجامد، مرتکب شود. امام مجتبی علیه السلام فرموده‌اند: «هرکس به رفت‌وآمد در مسجد مداومت کند، به یکی از این هشت فایده دست می‌یابد: نشانه‌ای محکم [که در راه حق او را استوار سازد]، برادری که از او سود برد، دانشی تازه، رحمتی که در انتظار آن بوده است، سخنی که او را هدایت می‌کند، سخنی که او را از هلاکت باز می‌دارد یا اینکه گناهان را از ترس ترک کند یا گناهان را از شرم وانهد.»^۲

این‌ها بخشی از طاعات و عباداتی‌اند که در ضمن یک عبادت، مثلاً اعتکاف، با نیت همه آنها می‌توان به فضیلت‌های فراوانی دست یافت؛ یعنی می‌تواند نیت کند که معتکف می‌شوم تا به فضیلت زیارت خدا و یاد او و تفکر در امر آخرت، انتظار نماز، روزه، تعلیم و امر به معروف و دیگر فضائل و پاداش‌ها دست یابم.^۳

۱. «الْإِتْكَافُ فِي الْمَسْجِدِ رَهْبَانِيَّةُ الْعَرَبِ إِنَّ الْمُؤْمِنَ مَجْلِسُهُ مَسْجِدُهُ وَ صَوْمَعَتُهُ بَيْتُهُ» (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۶۲).

۲. «مَنْ أَدَامَ الْإِحْتِلَافَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصَابَ إِحْدَى ثَمَانٍ...» (حسن بن علی شعبه حرانی، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، ص ۲۳۵).

۳. نک: عبدالله جوادی آملی، بر بال اعتکاف، ص ۴۵ تا ۴۸.

معتکف با آشنایی با

مؤمنان در این فرصت،

به آمار برادران دینی

خود می‌افزاید و این

غنیمتی برای دنیا و

ذخیره‌ای برای آخرت

اوست و مسجد،

آشیانه اهل دین و

کسانی است که خدا

را دوست می‌دارند و در

راه او دوستی می‌کنند



ویژه‌نامه اعتکاف

دور از اغیار

خلوت کردن و فرار از سرگرم‌کننده‌ها

از چیزهای دردآور و رنج‌آفرین، این است که در متن بهترین پایگاه شهود، یعنی عبادات که برای آدمی سازنده است، کسی در فکر خارج آن باشد و به امور دیگر توجه کند! برای نمونه، انسان در نماز که بهترین فرصت برای ندا و نجوای بنده با خداست، اهتمام ندارد که چه می‌گوید: نه تنها از معارف نماز آگاه نیست و نه تنها مفاهیم آن را در ذهن نمی‌گذراند، در بیرون آن سیر می‌کند.

شیطان، گرچه در همه حالات، انسان را وسوسه می‌کند، این وسوسه و مزاحمت او در کارهای عادی چندان جدی نیست؛ اما با گام نهادن انسان در مسیر عبادت، او همه نیروها و نسل خود را برای اغفال عبادتگر آماده می‌کند. با ورود انسان به نماز، وی با بسیج

شیطان، گرچه در همه حالات، انسان را وسوسه می‌کند، این وسوسه و مزاحمت او در کارهای عادی چندان جدی نیست؛ اما با گام نهادن انسان در مسیر عبادت، او همه نیروها و نسل خود را برای اغفال عبادتگر آماده می‌کند

همه نیروهایش می‌کوشد که مانع حضور قلب نمازگزار شود. برای مصونیت از این تهاجم همه‌جانبه، نخست باید معبود را تعیین کرد و آنگاه از عبادت سخن گفت تا شیطان برای انسان معبودسازی نکند و اگر پیش از تعیین معبود، از عبادت سخن گوید، شیطان با ایفای خاطراتی، برای عابد معبودی دروغین می‌سازد.

گاهی انسان براساس شریعت نماز می‌خواند؛ یعنی واجبات و مستحبات وضو و نماز را رعایت می‌کند، ولی حضور قلب ندارد. این نماز گرچه از نظر فقهی باطل نیست، از نظر اخلاقی و کلامی، نماز بی‌اثر است. تأمین حضور قلب در نماز، بسیار دشوار است. با اینکه هر نماز بیشتر از چند دقیقه طول نمی‌کشد، این هنر در نمازگزار نیست که در نمازش خود را ضبط کند. اگر انسان همان چند دقیقه، خود را نگه دارد و بداند با چه کسی سخن می‌گوید، امور دیگر او تأمین‌اند؛ اما چون در همان چند دقیقه نیز قدرت حضور و ضبط حواس را ندارد، امور دیگرش هم ناکام‌اند.

نماز «صراط» است و عبور از صراط، با غفلت سالک سازگار نیست؛ زیرا اگر انسان غفلت کند، از صراطی که از مو باریک‌تر و از شمشیر تیزتر است، سقوط می‌کند.^۱

خلوت کردن با خدا، از جمله در اعتکاف، در واقع «شاغل‌دایی» است. شاغل یعنی سرگرم‌کننده، گرچه فراوان است، می‌توان آن‌ها را در چهار گزینه جای داد:

۱. سرگرم‌کننده‌های حسی، مانند دیدنی‌ها، نغمه‌ها و آهنگ‌ها، بوییدنی‌ها، نرمی فرش و لباس و گوارایی غذا که انسان را به خود جذب می‌کنند؛ بنابراین انسان از راه ذائقه، شامه، لامسه، باصره و سامعه، مجذوب محسوسات خود می‌شود و این سرگرم‌کننده‌های حسی در خلوت شبانه و اعتکاف، بسیار کم و محدودند.

۲. سرگرم‌کننده‌های خیالی، نظیر خاطرات فراوانی که از خیال انسان می‌گذرند که تصورات‌اند و احياناً تصدیق‌هایی را نیز به همراه دارند.

۳. کارهای تحریکی که قوای شهوانی و غضبی آن‌ها را بر عهده دارند؛ مثل اینکه انسان می‌خواهد از راه صحیح به چیزهایی حلال دست یابد یا از راه ناصحیح به امور باطل راه پیدا کند یا در برابر دشمن قهر و کینه‌توزی دارد و می‌کوشد که در محدوده قوه شهوت و غضب، نابودی دشمن خودش را آرزو داشته باشد و حسد بورزد یا امیدوار است در مسائل اجتماعی به درجات برتر برسد یا رقبای او را از صحنه بیرون کند.

۱. «وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنُكَيِّتُونَ» (اما کسانی که به آخرت ایمان ندارند، از این راه منحرف‌اند) (مؤمنون، ۷۴).

نماز «صراط» است و

عبور از صراط، با غفلت

سالک سازگار نیست؛

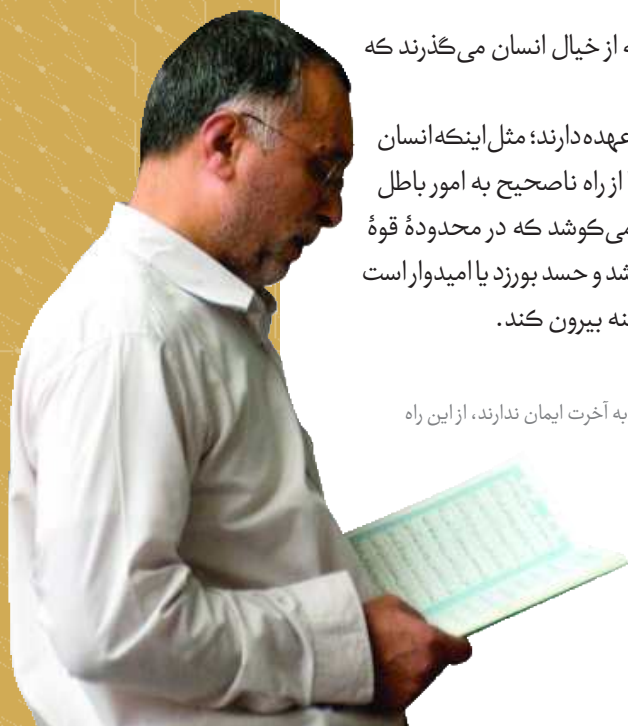
زیرا اگر انسان غفلت

کند، از صراطی که از

مو باریک‌تر و از شمشیر

تیزتر است، سقوط

می‌کند





اگر کسی توانست از شواغل حسی برهد، نیز دربارهٔ رقیب خود، برتری جویی نداشته باشد، بلکه برای او خیر و مغفرت طلب کند، آنگاه نوبت به گزینهٔ چهارم از شواغل می‌رسد:

۴. سرگرم شدن به اندیشه‌های خود یا دیگر دانشمندان در نماز، قرائت قرآن یا ذکر و... هرگاه انسان از این شاغل‌های چهارگانه رهایی یابد، قدرت فکر کردن می‌یابد و ذات اقدس خدا که هر لحظه به دل بندهٔ خود می‌نگرد، وقتی صحنهٔ قلب او را آماده ببیند، به آن فیض می‌رساند و سالک کوی الهی از این فیض بهره می‌برد و چیزی را می‌فهمد که او [را] آرام می‌کند و از هرچه مایهٔ اضطراب است، نجات پیدا می‌کند و به چیزی دل می‌بندد که ماندنی است و رفتنی‌ها را رها می‌کند؛ چون آن‌ها انسان را رها کرده و تنها می‌گذارند و او را به اندوه فراق خودشان مبتلا می‌کنند؛ پس اگر پیش تر انسان آن‌ها را رها کند، بهتر است؛ زیرا دوست نگرستن بهتر از دوست بی‌وفاست که روزی او را به خود واگذارد و به غم فراقش دچار سازد.^۱

۱. نک: عبدالله جوادی آملی، *بر بال اعتکاف*، ص ۲۵ تا ۲۵۳.

احکام اعتکاف

اعتکاف عبارت است از توقف کردن و ماندن در مسجد به قصد عبادت (رهبر معظم انقلاب رحمته علیه و آیت الله العظمی مکارم شیرازی رحمته علیه).

بنابراین صرف ماندن شخص در مسجد، بدون قصد عبادت، درحالی که غرق در مسائل دنیایی است و به چیز دیگری اهمیت نمی دهد، اعتکاف نامیده نمی شود؛ زیرا اطلاق ادله اعتکاف، برمی گردد به آنچه مسجد برای آن ساخته شده است؛ یعنی عبادت خداوند متعال و بندگی او، نه توقف در مسجد بدون انجام دادن هیچ عبادت دیگری.

شرط های اعتکاف

۱. اسلام و ایمان (شیعه دوازده امامی بودن)؛

۲. عقل؛

۳. نیت و قصد قربت؛

۴. روزه گرفتن؛

۵. شرط زمانی اعتکاف، از نظر تعداد روزها و زمان انجام دادن آن؛

۶. شرط مکانی اعتکاف، از نظر بودن در مسجد جامع؛

۷. اجازه داشتن از کسی که اجازه اش برای اعتکاف معتبر است؛ مانند اذن شوهر، والدین یا صاحب کار؛

۸. استمرار ماندن در مسجد و خارج نشدن از آن در مدت اعتکاف.

اجازه گرفتن برای اعتکاف

۱. اجازه پدر و مادر

آیا فرزند باید برای اعتکاف از والدین خود اجازه بگیرد؛ حتی اگر معتکف شدن او موجب اذیت و آزار یا زحمت آنان نباشد؟

در صورتی که اعتکاف موجب آزار و اذیت والدین باشد و آنان از روی مهربانی و شفقت بفرزند، ناراحت می شوند، اجازه از آنان لازم است و اگر موجب اذیت آنان نباشد، احتیاط مستحب است که اجازه بگیرد (امام خمینی رحمته علیه و آیات عظام گلپایگانی رحمته علیه، فاضل لنکرانی رحمته علیه، بهجت رحمته علیه، خوبی رحمته علیه، تبریزی رحمته علیه، نوری همدانی رحمته علیه، وحید خراسانی رحمته علیه، مکارم شیرازی رحمته علیه و سیستانی رحمته علیه).

صرف ماندن شخص

در مسجد، بدون قصد

عبادت، درحالی که

غرق در مسائل دنیایی

است و به چیز دیگری

اهمیت نمی دهد،

اعتکاف نامیده

نمی شود

۲. اجازه شوهر

آیا اذن شوهر در اعتکاف زن لازم است؟

در صورتی که اعتکاف زن بی اجازه شوهرش، موجب از بین رفتن حق شوهر باشد: اجازه شوهر لازم است (آیات عظام و حید خراسانی رحمته و مکارم شیرازی رحمته و نوری همدانی رحمته).

بنابر احتیاط واجب، لازم است (امام خمینی رحمته).

و اگر اعتکاف منافی با حق شوهر نباشد:

در صورتی که روزه اعتکاف، روزه مستحبی باشد، بنابر احتیاط واجب اجازه شوهر لازم است (آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی رحمته).

اجازه شوهر لازم نیست؛ هر چند احتیاط مستحب اجازه گرفتن است (امام خمینی رحمته).
اجازه لازم نیست؛ هر چند احتیاط مستحب است که اجازه بگیرد. البته در صورتی که روزه اعتکاف، روزه مستحبی باشد و شوهر از گرفتن روزه مستحبی نهی کند، بنابر احتیاط واجب اجازه شوهر لازم است (آیات عظام خوبی رحمته و وحید خراسانی رحمته).

زمانی که مکث زن در مسجد حرام باشد، مثل وقتی که زن بدون اجازه از منزل خارج شده باشد، اعتکافش باطل است و در صورتی که مکث زن در مسجد حرام نباشد، ولی اعتکافش منافی با حق شوهر باشد، صحت اعتکافش در صورتی که بدون اجازه شوهرش باشد، محل اشکال است (آیت‌الله العظمی سیستانی رحمته).

خروج از محل اعتکاف

۱. اگر معتکف از محل اعتکاف عمداً و اختیاراً در غیر مواقع ضروری و مجاز برای خروج، خارج شود، اعتکافش باطل می‌شود؛ هر چند از روی ندانستن مسئله و جهل به حکم باشد (تمام مراجع عظام تقلید).

۲. اگر معتکف از روی فراموشی از مسجد خارج شود و زمان خروجش به مقداری طولانی نشود که صورت اعتکاف به هم بخورد:

اعتکاف باطل نمی‌شود (امام خمینی رحمته و رهبر معظم انقلاب رحمته);

اعتکاف باطل می‌شود (آیت‌الله العظمی سیستانی رحمته);

اعتکاف بنابر احتیاط واجب باطل می‌شود (آیت‌الله العظمی مکارم رحمته);

بطان اعتکاف محل اشکال است (آیت‌الله العظمی وحید خراسانی رحمته).

۳. اگر معتکف از روی اکراه و اجبار از مسجد خارج شود و زمان خروجش به مقداری طولانی نشود که صورت اعتکاف به هم بخورد:

اگر معتکف از محل

اعتکاف عمداً و اختیاراً

در غیر مواقع ضروری

و مجاز برای خروج،

خارج شود، اعتکافش

باطل می‌شود؛ هر چند

از روی ندانستن مسئله

و جهل به حکم باشد

اعتكافش باطل نمی‌شود (امام خمینی رحمته و آیات عظام وحید خراسانی رحمته و مکارم شیرازی رحمته).

۴. اگر معتکف به دلیل کار ضروری از مسجد خارج شود، ولی مدت خروجش طولانی شود، به گونه‌ای که صورت اعتکاف از بین برود، اعتکافش باطل است؛ هرچند خروجش از روی اکراه یا اجبار یا اضطرار یا فراموشی باشد (تمام مراجع عظام تقلید).

ارتکاب عمدی مُحَرّمات اعتکاف

۱. اگر معتکف مُحَرّمات اعتکاف را عمداً انجام دهد:

اعتکاف باطل می‌شود (آیات عظام سیستانی رحمته و وحید خراسانی رحمته و مکارم شیرازی رحمته). صحت اعتکاف محل اشکال است. احتیاط رعایت شود (امام خمینی رحمته). آمیزش در صورتی که عمدی باشد، مبطل اعتکاف است (تمام مراجع عظام تقلید). در صورتی که عطر و گلاب را برای لذت بردن بو کند، بنابر احتیاط واجب اعتکافش باطل می‌شود (رهبر معظم انقلاب رحمته).

۲. اگر معتکف مرتکب فعل حرام شود که روزه را باطل نمی‌کند، اعتکافش چه حکمی دارد؟

محرمات اعتکاف هرچند روزه را باطل نکند، بنابر احتیاط، اعتکاف را باطل می‌کند؛ ولی در غیر جماع، ترک احتیاط نشود به اینکه اعتکافش را تمام و سپس قضا کند. باطل کردن محرمات در صورتی است که از روی عمد باشد، نه سهو و غفلت. محرماتی که جزو مُحَرّمات اعتکاف نیست، به صحت اعتکاف ضرری نمی‌زند (آیت‌الله العظمی بهجت رحمته).

۳. آیا ارتکاب عمدی مبطلات روزه، اعتکاف را باطل می‌کند؟ هر چیزی که روزه را باطل می‌کند، اگر در روز واقع شود، اعتکاف را هم باطل می‌کند؛ چون شرط اعتکاف روزه بودن است (تمام مراجع عظام تقلید).

اشتغال به کارهای دنیایی

برای معتکف جایز است که به امور مباح دنیایی بپردازد یا به معاش خود رسیدگی کند، چه حاجتی داشته باشد، چه نداشته باشد (نظر مشهور فقها).

پرداختن به امور دنیایی برای معتکف جایز است؛ ولی اشتغال به این کارها در تمام وقت اعتکاف مشکل است و شاید با مفهوم اعتکاف از منظر اهل شرع منافات داشته باشد (آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی رحمته).

هر چیزی که روزه را

باطل می‌کند، اگر در

روز واقع شود، اعتکاف

را هم باطل می‌کند؛

چون شرط اعتکاف

روزه بودن است (تمام

مراجع عظام تقلید)

انجام سهوی محرمات

اگر معتکف یکی از محرمات اعتکاف را سهواً انجام دهد، اعتکافش باطل نمی‌شود؛ مگر در آمیزش سهوی که اگر در اعتکاف واجب انجام شود، بنابر احتیاط واجب باید اعتکاف را از سر بگیرد یا آن اعتکاف را تمام کند و بعداً قضایش را به جا آورد و اگر در اعتکاف مستحب انجام شود، بنابر احتیاط واجب باید اعتکافش را تمام کند.

اگر یکی از محرمات اعتکاف را سهواً انجام دهد:

مبطل نیست مطلقاً (آیت الله العظمی سیستانی رحمته الله علیه).

احتیاط کند و اعتکافش را تمام کند و اگر اعتکافش واجب معین بوده است، آن را قضا کند و اگر واجب غیر معین بوده است، چنانچه در دو روز اول، این سهو را مرتکب شده است، آن را از سر گیرد و اگر در روز سوم مرتکب شده است، اعتکافش را تمام کند و دوباره آن را از سر گیرد؛ اما آمیزش، اگر سهواً هم انجام شود، مبطل است (امام خمینی رحمته الله علیه).

صحت اعتکافش محل اشکال است؛ خصوصاً در آمیزش (آیت الله العظمی وحید خراسانی رحمته الله علیه).

اعتکافش خالی از اشکال نیست؛ اما اگر آمیزش جنسی کند، هر چند از روی فراموشی باشد، چنانچه اعتکاف واجب باشد، باید پس از اتمام آن، اگر وقت اعتکاف محدود بوده است، قضای آن را به جا آورد و اگر وقتش وسیع است، بنابر احتیاط واجب آن را از نو شروع کند. اگر اعتکاف مستحب بوده است، آن را تمام کند و قضا ندارد (آیت الله العظمی مکارم شیرازی رحمته الله علیه).

قضای اعتکاف

۱. هرگاه معتکف اعتکافش را به سبب ارتکاب یکی از مبطلات اعتکاف باطل کند، چنانچه آن اعتکاف واجب معین بوده و وقت آن گذشته است، باید قضای آن را به جا آورد و اگر واجب غیر معین بوده است، باید آن را دوباره انجام دهد؛ مگر اینکه به هنگام نیت اعتکاف یا اجرای صیغه نذر، شرط رجوع کرده باشد که در این صورت، به قضا یا اعاده آن نیازی نیست. اگر اعتکافش واجب نبوده، ولی در روز سوم، آن را باطل کرده است، در اینجا نیز باید قضای آن را به جا آورد؛ اما اگر در روز اول و دوم، یعنی قبل از تمام شدن دور روز بوده است، وظیفه‌ای ندارد.

۲. اگر شخص معتکف اعتکافش را به وسیله ارتکاب یکی از مفسدات^۱ باطل کند:

۱. مراد از مفسدات کارهای است که بنابر فتوا، موجب بطلان اعتکاف می‌شود؛ اعم از ارتکاب محرمات اعتکاف یا رعایت نکردن شرطهای صحت اعتکاف، البته به تفصیلی که بیان شده است.

هرگاه معتکف

اعتکافش را به سبب

ارتکاب یکی از

مبطلات اعتکاف

باطل کند، چنانچه

آن اعتکاف واجب

معین بوده و وقت آن

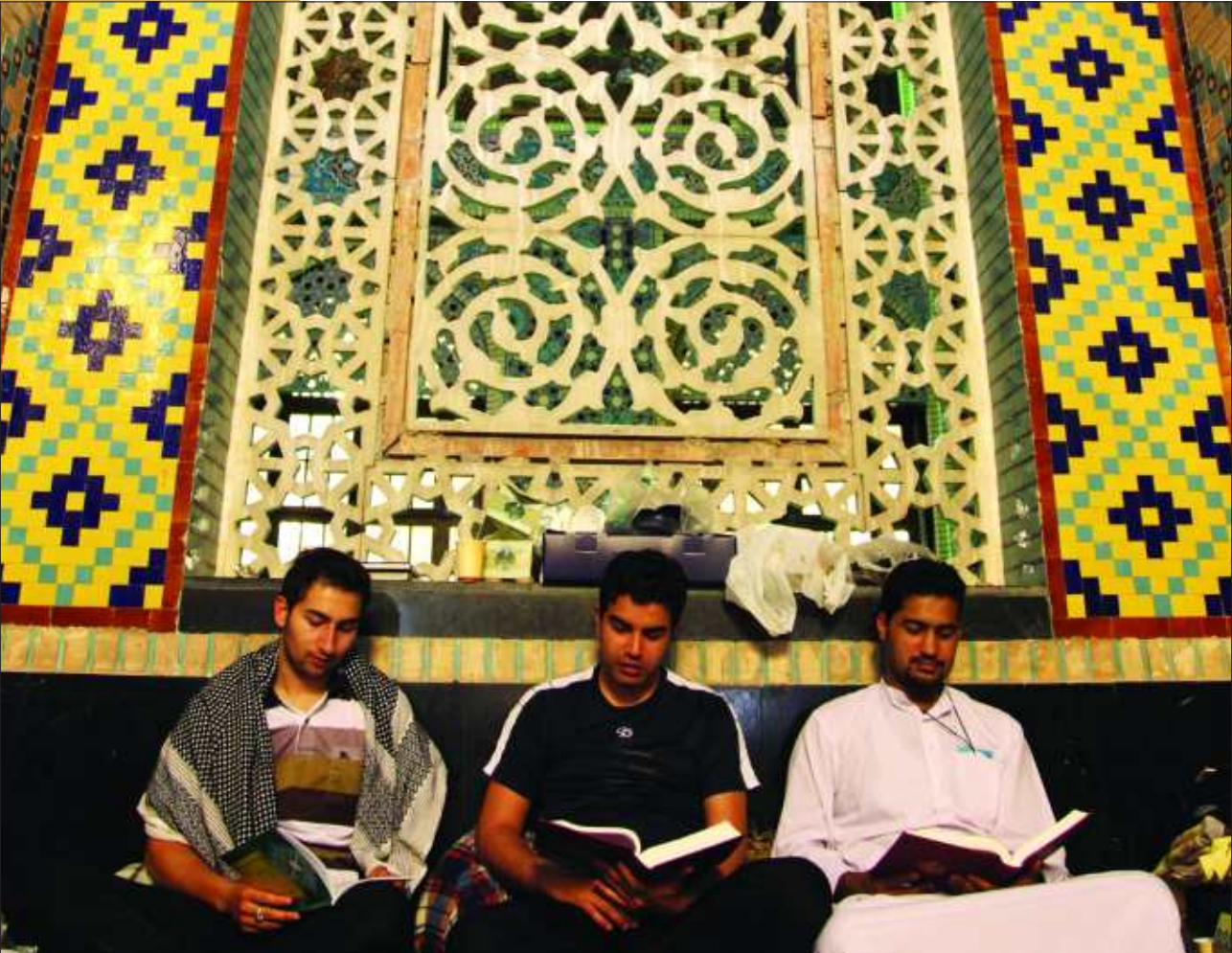
گذشته است، باید

قضای آن را به جا آورد

و اگر واجب غیر معین

بوده است، باید آن را

دوباره انجام دهد



اگر اعتکاف واجب معین باشد، بنابر احتیاط واجب باید اعتکاف را قضا کند و اگر اعتکاف واجب نامعین باشد، واجب است که اعتکاف را دوباره از سر گیرد. اگر اعتکاف مستحب باشد و بعد از تمام شدن روز دوم، اعتکاف را باطل کند، بنابر احتیاط واجب اعتکاف را قضا کند (آیات عظام سیستانی رحمته علیه و وحید خراسانی رحمته علیه).

اگر اعتکاف واجب معین باشد، قضایش واجب است و اگر واجب نامعین باشد، باید اعتکاف را دوباره از سر گیرد. اگر اعتکاف مستحب باشد و بعد از اتمام روز دوم، اعتکاف را باطل کند، قضایش واجب است (امام خمینی رحمته علیه و آیت الله العظمی مکارم شیرازی رحمته علیه). اگر قبل از اتمام روز دوم، اعتکاف مستحب را باطل کند، چیزی بر عهده معتکف نیست (تمام مراجع عظام تقلید).

اگر در موقع نیت اعتکاف واجب، شرط رجوع کرده باشد، چنانچه یکی از محرّمات انجام دهد، قضا و از سرگرفتن، هیچ کدام لازم نیست (تمام مراجع عظام تقلید).

اعمال اعتکاف

ویژه نامه اعتکاف

سیزدهم رجب

روز سیزدهم ماه رجب، مصادف با ولادت امیرالمؤمنین، امام علی علیه السلام و اولین روز از ایام البیض است. روزه گرفتن در این روز و دو روز بعدش، ثواب فراوانی دارد و هر که بخواهد عمل او را به جای آورد، باید این روزها را روزه بگیرد.

چهاردهم رجب

روزه گرفتن در این روز پاداش فراوانی دارد. در روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله می خوانیم: «هر که روز چهاردهم ماه رجب را روزه بگیرد، خداوند پاداشی به او عنایت می کند که نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده و نه بر قلبی خطور کرده باشد...!»^۱
این شب، شب ارزشمندی است که چند عمل برای آن بر شمرده اند:

۱. غسل؛
۲. زیارت امام حسین علیه السلام که به زیارت آن حضرت در شب و روز نیمه رجب تأکید شده است؛
۳. شش رکعت نماز که هر دو رکعت آن با یک سلام است و در هر رکعتش باید حمد و یس و ملک و توحید خوانده شود؛
۴. به جا آوردن سی رکعت نماز، [هر دو رکعت با یک سلام] که در هر رکعت آن باید یک مرتبه حمد و ده مرتبه سوره توحید خوانده شود؛
۵. دوازده رکعت نماز، هر دو رکعت به یک سلام که در هر رکعت باید یک حمد و یک سوره خوانده شود و پس از پایان نمازها هر یک از سوره های حمد، فلق، ناس، توحید و آیه الکرسی و نیز سوره قدر چهار مرتبه خوانده شود. پس از اتمام نماز هم باید دعایی که در اعمال روز چهارده رجب در مفاتیح الجنان درج شده است، قرائت شود.

نیمه رجب

این روز، روز مبارکی است و برای آن چند عمل توصیه شده است:

۱. غسل؛

۲. زیارت امام حسین علیه السلام. نقل شده است که ابی نصر بزنطی از امام رضا علیه السلام پرسید: «در چه ماهی امام حسین علیه السلام را زیارت کنیم؟» حضرت فرمودند: «در نیمه رجب و نیمه شعبان.»^۲

۱. ناصر مکارم شیرازی، مفاتیح نوین، ص ۶۴۳، به نقل از علی بن موسی بن طاووس، اقبال الأعمال، ص ۶۵۵.

۲. جعفر بن محمد بن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۸۲.

هر که روز چهاردهم

ماه رجب را روزه بگیرد،

خداوند پاداشی به او

عنایت می کند که

نه چشمی دیده و نه

گوشی شنیده و نه

بر قلبی خطور کرده

باشد...!

۳. اقامه نماز سلمان به نحوی که در اعمال روز اول ماه رجب بیان شده است.
 ۴. اقامه چهار رکعت نماز به صورت دو نماز دو رکعتی. بعد از سلام هم دست خود را بلند کند و بگوید:

اَللّٰهُمَّ يَا مُذِلَّ كُلِّ جَبَّارٍ وَيَا مُعِزَّ الْمُؤْمِنِيْنَ اَنْتَ كَهْفِيْ جِيْنَ تُعِيْنِي الْمَدَاهِبُ وَاَنْتَ بَارِيْ خَلْقِيْ رَحْمَةً بِيْ وَقَدْ كُنْتَ عَنِ خَلْقِيْ غَنِيًّا وَاَنْتَ بَارِيْ رَحْمَتِكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِيْنَ وَاَنْتَ مُؤَيِّدِيْ بِالنَّصْرِ عَلٰى اَعْدَائِيْ وَاَوْ لَا نَصْرَكَ اِيَّايْ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوْجِيْنَ [الْمَقْبُوْجِيْنَ] يَا مُرْسِلَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَعَادِنِهَا وَ مُنْشِئَ الْبَرْكَهٖ مِنْ مَوَاضِعِهَا يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالشُّمُوْخِ وَالرَّفْعَةِ فَاَوْ لِيَاؤُهُ بَعْرُهُ يَتَعَزَّزُوْنَ [وَا] يَا مَنْ وَصَّعَتْ لَهٗ الْمُلُوْكَ نِيْرَ الْمَدْلَةِ عَلٰى اَغْنَاقِهِمْ [اَغْنَاقِهَا] فَهَمْ مِنْ سَطْوَاتِيْهٖ خَائِفُوْنَ اَسْئَلُكَ بِكَيْنُوْنِيَّتِكَ الَّتِيْ اَشْتَقَّقْتَهَا مِنْ كِبْرِيَايْكَ وَاَسْئَلُكَ بِكِبْرِيَايْكَ الَّتِيْ اَشْتَقَّقْتَهَا مِنْ عِزَّتِكَ وَاَسْئَلُكَ بِعِزَّتِكَ الَّتِيْ اسْتَوَيْتَ بِهَا عَلٰى عَرْشِكَ فَخَلَقْتَ بِهَا جَمِيْعَ خَلْقِكَ فَهَمْ لَكَ مُدْعُوْنَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِيْهٖ ١.

بر اساس فرموده امام صادق (ع) پس از تعلیم این دعا، هر که غمی دارد، اگر این دعا را بخواند، خداوند اندوه و غمش را برطرف می کند.^۲

۵. عمل ام داوود که عمده اعمال این روز است و برای برآمدن حاجات و برطرف شدن غصه ها و دفع ظلم ظالمان مؤثر است. کیفیت این عمل بنا بر آنچه در مصباح شیخ است، آن است که فرد، روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم را روزه بگیرد و در روز پانزدهم، نزدیک ظهر غسل کند و وقت زوال ظهر، در مکانی خلوت قرار بگیرد که چیزی او را مشغول نسازد و کسی با او سخن نگوید. نماز ظهر و عصر را به جا آورد؛ در حالتی که رکوع و سجودشان را نیکو انجام دهد. وقتی نماز به اتمام رسید، رو به قبله بنشیند، صد مرتبه سوره حمد، صد

مرتبه سوره توحید و ده مرتبه آیه الکرسی را قرائت کند؛ سپس سوره های انعام، بنی (اسراء)، کهف، لقمان، یس، صافات، حم سجده (فصلت)، شورا، دخان، فتح، ملک، قلم و انشقاق تا آخر قرآن را قرائت کند و پس از اتمام، در حالی که رو به قبله داعیی را که در مفاتیح الجنان درج شده است، نجوا کند.

کیفیت عمل ام داوود

بنا بر آنچه در مصباح

شیخ است، آن است

که فرد، روز سیزدهم

و چهاردهم و پانزدهم

را روزه بگیرد و در روز

پانزدهم، نزدیک ظهر

غسل کند و وقت زوال

ظهر، در مکانی خلوت

قرار بگیرد که چیزی

او را مشغول نسازد

و کسی با او سخن

نگوید...



۱. علی بن موسی بن طاووس، اقبال الأعمال، ص ۶۵۷ و ۶۵۸.

۲. علی بن موسی بن طاووس، اقبال الأعمال، ص ۶۵۷ و ۶۵۸.



دعای اُم داوود

این دعا به «دعای استفتاح» هم مشهور است و اهمیت و آثار فراوانی دارد. در اهمیت این دعا همین بس که امام صادق علیه السلام بعد از تعلیم آن به اُم داوود، فرمودند: «آنچه را گفتم حفظ کن و [به غیر اهلش تعلیم نده و] مواظب باش که مبادا [کسی] آن را در امر باطلی به کار برد؛ چون در این دعا، اسم اعظم خداوند متعال است که اگر خدا به آن اسم خوانده شود، دعا مستجاب می شود.»

اُم داوود کیست؟

اُم داوود دختر عبدالله بن ابراهیم و مادر رضاعی امام صادق علیه السلام است که به «اُم خالد بربریه» شهرت داشته و جدّ صالح مرحوم سید بن طاووس است.

داوود کیست؟

داوود، فرزند حسن و نوّه امام حسن مجتبی علیه السلام و برادر رضاعی امام صادق علیه السلام است. منصور دوانیقی جمعی از آل ابی طالب را زندانی کرد که از جمله آنان عبدالله بن الحسن بود. منصور دو فرزند عبدالله، محمد و ابراهیم را به شهادت رساند و داوود، یعنی برادر رضاعی امام صادق علیه السلام را هم در زندان نگه داشت. اُم داوود از داوود که در عراق زندانی بود، خبری

نداشت. او پیوسته دعا کرده و به درگاه الهی تضرع می‌کرد و از برادران ایمانی می‌خواست که برای برآورده شدن حاجتش دعا کنند؛ ولی با همه اصراری که در دعا داشت، از اجابت آن خبری نبود [و در نهایت، ناامید شد]. روزی برای عیادت امام صادق علیه السلام که مریض بودند به محضرشان شرفیاب شد. از احوالشان پرسید و برای ایشان دعا کرد. آن حضرت از او پرسیدند: «ای ام داوود! داوود چه می‌کند؟» عرض کرد: «آقای من! مدت مدیدی است که در عراق زندانی است و از او خبری ندارم.» حضرت فرمودند: «چرا از دعای استفتاح غافل؟! دعای استفتاح دعایی است که با آن درهای آسمان باز می‌شود و دعای خواننده آن، در همان ساعت مستجاب می‌شود و برای کسی که آن را بخواند، پاداشی جز بهشت نیست.» ام داوود عرض کرد: «ای فرزند راست‌گویان، چگونه باید این دعا را خواند؟ [آداب و کیفیت آن را به من تعلیم فرمایید.]» امام صادق علیه السلام این عمل را به ام داوود تعلیم دادند و او آن را مطابق دستور ایشان انجام داد. شب که خوابید، آخر شب، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ملائکه و انبیاء علیهم السلام را دید؛ درحالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمودند: «ای ام داوود! بر تو و دوستانت بشارت باد! حاجت برآورده می‌شود و خداوند متعال فرزندت را حفظ می‌کند و او را به تو باز خواهد گرداند.» از خواب که بیدار شد، به مقدار زمانی که یک مَرکب سریع‌السیر، فاصله بین عراق تا مدینه را طی کند، طول کشید که ناگهان دید فرزندش داوود وارد خانه شد. از حال او پرسید. داوود جواب داد:

من در زندان بسیار تنگی محبوس بودم و غل و زنجیر به بدنم سنگینی می‌کرد. این حال، تا نیمه ماه رجب ادامه داشت. شب که خوابیدم، گویا زمین برایم تنگ شده بود؛ اما شما را دیدم که بر سجاده نماز نشسته‌ای و مردانی که سرهایشان در آسمان و پاهایشان در زمین است، اطراف شما به تسبیح خداوند مشغول هستند. یکی از آنان، خوش‌رو و خوش‌بو بود و لباس پاک و تمیزی داشت که من گمان کردم جدم، رسول الله صلی الله علیه و آله است. ایشان به من اشاره کرده و بشارت دادند که خداوند متعال دعای مادرت را در حقت مستجاب کرد. از خواب بیدار شدم و دیدم فرستاده منصور در زندان ایستاده است. مرا از زندان آزاد کرد و پیش منصور برد. منصور دستور داد غل و زنجیر را از بدنم جدا کنند؛ همچنین دستور داد که ده هزار درهم به من بدهند؛ سپس مرا بر مرکب راهواری سوار کردند و به سرعت خودم را به مدینه رساندم.

دعای استفتاح دعایی

است که با آن درهای

آسمان باز می‌شود

و دعای خواننده آن،

در همان ساعت

مستجاب می‌شود و

برای کسی که آن را

بخواند، پاداشی جز

بهشت نیست





أَخْبَارًا حَسَنًا لِلدَّيْنِ وَالْحَيَاةِ وَالْإِيمَانِ

لِقِيَمَتِهِ فِي هَذَا الْمَشْرِقِ الْأَشْرَقِ

الَّذِي خَوْلَ أَفْضَلَنَا مِنْكُمْ وَأَوْلَى

فَانْكَرُوا كَيْدَ الْإِنْسَانِ الْفَاسِقِ

توشه راه

اعتکاف تلاش و پیگیری برای جستن امر خداوند است. دو روز در خانه خداوند متعال می‌نشینیم برای اینکه خدا روزی به ما امر کند که امروز را در خانه من محبوس بمانید. اعتکاف یعنی داوطلب شدن برای دریافت امر خدا. اعتکاف یعنی شکوفاشدن فطرت و دریافتن زیبایی امر و بیرون آمدن از بلاتکلیفی عبد. اعتکاف یعنی به اشاره او آمدن و به امر او رسیدن و به اذن او رفتن.

بکشیم از اعتکاف که بیرون رفتیم، فرهنگ اعتکاف را نیز با خود ببریم. منظور از فرهنگ، روحیه و نگرشی است که اعتکاف به ما داده است و در جمع معتکفان جریان پیدا می‌کند. فرهنگ اعتکاف این است که بگوییم «این قیمتی ندارد که 'من' و 'میل من' وجود نداشته باشد؛ بلکه تنها 'خدا' و 'امر خدا' باشد که مرا به کار خوب وامی‌دارد.» این معنای بندگی است و باید بکشیم با انجام دادن واجبات، به حقیقت بندگی نزدیک شویم تا از عبادت لذت ببریم. آری لذت ببریم؛ ولی دیگر این لذت با آن لذت نفسانی متفاوت است. این لذت بخش‌های فوق‌نفسانی روح است. این لذت، همان پاداش رب جلیل است، برای عبد ذلیل که عزت یافته است. این لذت، لذت خودخواهانه نیست؛ لذت خداخواهانه است که در روح پاک بیداردلان و عاشقان موج می‌زند. لذت اعتکاف هم از همین جنس است. لذت اعتکاف بر اثر ترک لذت نفس است. چه خوب گفته‌اند:

اگر لذت ترک لذت بدانی
در لذت نفس، لذت نخوانی

لذت اعتکاف در اثر صبر و ایمان است؛ ایمان به وعده‌های او و صبر در طاعت و ترک معصیت که پس از مدت کوتاهی، این صبر نم‌نم در صحرای سینۀ عبد دلنشین می‌شود. فرهنگ اعتکاف پرسش‌های نابجا را از بین می‌برد و پرستش خدا را ناروا نمی‌شمرد. فرهنگ اعتکاف موجب می‌شود در همه جا به دنبال امر و نهی خدا باشیم و به جای چانه‌زدن بر سر مرزهای اوامر و نواهی الهی، به غرقه شدن در اعماق بندگی بیندیشیم. فرهنگ اعتکاف موجب می‌شود هرچه بیشتر به دنبال دستوره‌های خدا باشیم و بر اثر ترک هر دستوری، بدانیم خود ضرر کرده‌ایم و تنها خداست که می‌تواند منافع از دست رفته ما را جبران کند.

بکشیم از اعتکاف

که بیرون رفتیم،

فرهنگ اعتکاف را نیز

با خود ببریم. منظور

از فرهنگ، روحیه و

نگرشی است که

اعتکاف به ما داده

است و در جمع

معتکفان جریان پیدا

می‌کند

آرزو کنیم خدا به ما توفیق اعتکاف در بیت‌الله الحرام را بدهد تا پس از احرام که خود، نوعی دریافت انبوهی از اوامر الهی است، معتکف شویم و خود را مقیم خانه اقرار دهیم و بگوییم: «خدایا، بر من دشوار نبود که آن قدر به من امر کردی. بین در مسجد تو معتکف هم شده‌ام تا دوباره اوامرت شامل حالم بشود.» آن وقت دوباره واجب روی واجب، چقدر شیرین خواهد بود!

چه وقت لذت اعتکاف را درک خواهیم کرد؟ روز سوم، وقتی می‌خواهیم از مسجد بیرون برویم. آن وقت است که می‌بینیم انگار دلمان گرفته است. دلمان می‌گیرد. انگار خدا دارد بیرونمان می‌کند. شاید بعضی‌ها که از بیرون نگاه می‌کنند، بگویند: «شاد باش. مدتی معتکف بودی و حالا برو دیگر. چرا گریه می‌کنی؟» می‌گوییم: «آخر انگار این سه روز که بیش از اوقات دیگر در سایه اوامرو نواهی خدا تنفس می‌کردم، در آغوش رحمت خدا بودم و حال، آن امرها برداشته شده است و من احساس تنهایی و بی‌پناهی می‌کنم.»

پایان احرام هم همین‌طور است. غروب روز آخر ماه رمضان هم همین‌طور است. تا می‌گویند «امر خدا برای روزه ماه رمضان پایان یافت» دل‌ها گرفته می‌شود. آن وقت خدا که می‌خواهد بنده‌های خودش را شاد کند، می‌گوید: «فردا عید فطر است. بیا شاد باش. بیا تا به تو عیدی بدهم.» حالا خدا می‌خواهد به طریقی، دل گرفته بنده مؤمنش باز شود.^۱

۱. نک: علی‌رضا پناهیان، شکوه امر خدا، ص ۶۱ تا ۶۴.

مسابقه فرهنگی «آستان بندگی»

توضیحات شرکت در مسابقه

■ پرسش‌ها از متن موجود طرح شده است و افراد بالای دوازده سال می‌توانند در مسابقه شرکت کنند.
■ به روش‌های زیر می‌توانید در مسابقات فرهنگی شرکت کنید:

۱. ارسال پاسخ به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۰۲۲۲۲: برای این کار، کافی است به ترتیب نام مسابقه، شماره گزینیه‌های صحیح پرسش‌ها به صورت یک عدد پنج‌رقمی از چپ به راست، نام و نام خانوادگی خود را به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۰۲۲۲۲ ارسال کنید.

مثال: آستان بندگی ۱۲۳۴۲ علی خسروی

۲. مراجعه به بخش مسابقات پرتال جامع آستان قدس رضوی به نشانی: www.razavi.aqr.ir
۳. پاسخ به پرسش‌ها در پاسخ‌نامه: پاسخ‌نامه تکمیل شده را می‌توانید به صندوق‌های مخصوص مستقر در کیوسک‌های راهنمای زائر بیندازید یا به صندوق پستی ۳۵۱-۹۱۷۳۵ ارسال کنید.

■ هزینه ارسال پاسخ‌نامه از طریق قرارداد «پست جواب قبول» پرداخت شده است و لازم نیست از پاکت و تمبر استفاده کنید.

■ آخرین مهلت شرکت در مسابقه، یک ماه پس از دریافت کتاب است.
■ قرعه‌کشی از بین پاسخ‌های کامل و صحیح و به صورت روزانه انجام می‌شود و نتیجه آن نیز از طریق سامانه پیامکی گفته شده به اطلاع برندگان می‌رسد.

تذکر: پیشنهادها و انتقادهای خود را در پیامک جداگانه‌ای ارسال کنید.

تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۰۲۵۶۹

پرسش‌ها

پرسش اول: اعتکاف به چه معناست؟

۱. عبادت و شب‌زنده‌داری
۲. انقطاع از خلق و توبه به سوی خدا
۳. گوشه‌گیری از خلق
۴. حرکتی گروهی در مسیر تربیت نفس

پرسش دوم: معتکف با گوشه‌گیری در مسجد، خود را برای خدا وقف می‌کند. این جمله مربوط به کدام یک از نیات اعتکاف است؟

۱. ذکر و یاد خدا
۲. تفکر درباره آخرت
۳. زیارت خدا
۴. روزه و پارسایی

پرسش سوم: در آیه ۱۱۲ سوره مبارکه توبه، به کدام یک از توصیه‌های اسلام عزیز اشاره شده است؟

۱. رعایت حدود الهی
۲. انفاق مال و جان
۳. برپاداشتن شعائر
۴. رعایت حق الناس

پرسش چهارم: بر اساس پاسخ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ابوذر، تحیت مسجد چیست؟

۱. دعا کردن هنگام ورود به مسجد
۲. نظافت مسجد و روشن کردن چراغ آن
۳. به جا آوردن دو رکعت نماز در مسجد
۴. وارد شدن به مسجد با پای چپ

پرسش پنجم: بنا به فرموده رسول اکرم صلی الله علیه و آله چه کسی نگران نخواهد بود که دنیا برایش به سختی بگذرد یا به آسانی؟

۱. کسی که با مردم خوش اخلاق تر باشد
۲. کسی که عبادت را معشوق خود بداند
۳. کسی که خود را برای عبادت فارغ سازد
۴. گزینۀ ۲ و ۳

مشخصات

نام و نام خانوادگی:

نام پدر: تحصیلات:

استان: شهر:

تلفن ثابت باکد شهر:

شماره همراه:

پاسخ نامه

مسابقه فرهنگی آستان بندگی

ردیف	گزینه	۱	۲	۳	۴
اول					
دوم					
سوم					
چهارم					
پنجم					

نظرسنجی مسابقه فرهنگی آستان بندگی

ردیف	موضوع	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱	میزان رضایت از جذابیت ظاهری (طرح جلد، اندازه و...)					
۲	میزان شیوایی مطالب					
۳	قابلیت فهم مطالب					
۴	میزان جذابیت و تازگی موضوع و مطالب					
۵	میزان تأثیرگذاری و مفیدبودن مطالب					
۶	میزان تناسب محتوا با نیاز شما					
۷	میزان تناسب پرسش‌ها با موضوع					
۸	میزان رضایت کلی					
پیشنهادات و انتقادات:						

..... فرستنده:

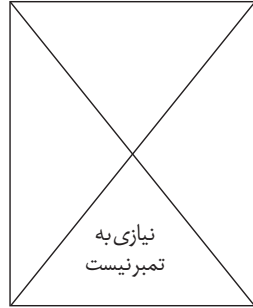
.....

.....

.....

.....

..... کد پستی:



پست جواب قبول

هزینه پستی بر اساس قرارداد

شماره ۲۱۵-۹۱۷۳۴ پرداخت شده است.

طرف قرارداد: اداره مدیریت فرهنگی آستان قدس رضوی

شماره صندوق: ۳۵۱-۹۱۷۳۵

تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۰۲۵۶۹

